

اعجاز علمی قرآن از منظر آیت الله فاضل لنکرانی*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و محمد امینی***

چکیده

اعجاز قرآن دارای ابعاد متعددی است که یکی از ابعاد مهم آن اعجاز علمی می باشد. این بُعد از اعجاز در کتاب مدخل التفسیر آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی رحمته الله علیه به صورت گسترده مطرح شده است.

از جمله تحت عنوان «اخبار غیبی قرآن و اعجاز تشریحی قرآن و نیز اعجاز در اسرار خلقت» مطرح شده؛ که به مواردی از اعجاز علمی در حوزه زیست شناسی، زمین شناسی، کیهان شناسی، تاریخی و قانون گذاری اشاره کرده اند و آیات و مصادیق هر کدام را توضیح علمی داده اند.

در این نوشتار با بررسی موارد فوق روشن می شود که اولاً اعجاز علمی قرآن یکی از ابعاد اعجاز پذیرفته شده بوده و ثانیاً ایشان یکی از پیشگامان طرح اندیشه اعجاز علمی در دوره معاصر می باشند و دارای نوآوری در این زمینه هستند.

واژگان کلیدی: قرآن، اعجاز، اعجاز علمی، محمد فاضل لنکرانی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸.

** استاد جامعه المصطفی العامیه و عضو هیئت علمی پاره وقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی (نویسنده مسئول):

rezaee.quran@gmail.com

*** دکتری علوم حدیث تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه: m.shii@chmail.ir

مقدمه

مباحث مربوط به قرآن و علوم بشری دارای ابعاد مختلفی در بین قرآن پژوهان و مفسران به ویژه تفاسیر جدید بوده است. مباحثی هم چون تفسیر علمی - اعجاز علمی - تفاسیر تخصصی میان رشته‌ای و روش‌شناسی در عصر ما مورد توجه است. از جمله شخصیت‌هایی که به مباحث قرآن و علوم در حوزه اعجاز علمی پرداخته است، آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی در کتاب مدخل التفسیر می‌باشد.

در این نوشتار بر آنیم که بعد از گزارش این مطلب به بررسی آن پردازیم و نوآوری‌های ایشان را در این مورد توضیح دهیم.

مفهوم‌شناسی

۱- تفسیر

تفسیر در اصل به معنای کشف و پرده‌برداری است و در این جا به کشف معانی کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنها است، به عبارت دیگر تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است.^[۱]

۲- علم

مقصود از «علم» در عنوان «علوم تجربی» (EXPRIMENTAL SCINCES) است که به دو شاخه علوم طبیعی (NATURAL SCINCES) (هم‌چون: فیزیک، پزشکی، گیاه‌شناسی و...) و علوم انسانی (HUMAN SCINCES) (هم‌چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و...) تقسیم می‌شود. که در این نوشتار هر دو شاخه علوم تجربی مراد است.

۳- اعجاز علمی

قرآن معجزه جاوید پیامبر اسلام ﷺ است کتابی که دلیل نبوت و راست‌گویی پیامبر است، یعنی دلیل اعتبار اسلام است، ولی اعجاز قرآن، از جهات گوناگون اثبات شده است. در این میان اعجاز در الفاظ، محتوا، عدم تناقض در مفاهیم آن، آهنگ قرآن، نفوذ آیات آن در دل‌ها،

پیش‌گویی‌ها و اخبار غیبی قرآن شمرده شده است (در این مورد به تفاسیر قرآن، از جمله: طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱/۵۸-۸۳ و تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۱۳۱؛ ۲/۴۳۲؛ ۳/۳؛ ۷/۶۴؛ ۸/۲۸۹؛ ۱۱/۴۱۰؛ ۱۲/۲۷۵؛ ۱۵/۵۶۸ و ۲۰/۲۸۹ مراجعه شود). ولی اعجاز علمی قرآن، در قرن‌های اخیر بین مفسران جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ چون علوم تجربی تکامل یافت و رشد سریع نمود و رازهای علمی قرآن را آشکار کرد و این در حالی بود که کتاب مقدس (تورات و انجیل) هر روز با پیشرفت علوم، عقب‌نشینی کرد و تحریفات آن برملا گردید، از این رو مفسران در موارد متعدد به اعجاز علمی قرآن اشاره کرده‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۵/۴۳۵؛ ۸/۲۲۷؛ ۱۰/۱۱۹؛ ۱۱/۱۸۳؛ ۱۵/۵۶۸) و حتی دانشمندان اروپایی به ابعاد علمی قرآن، اعتراف نموده‌اند.

مقصود از معجزه علمی قرآن آیاتی از قرآن کریم است که:

رازگویی علمی باشند؛ یعنی مطلبی علمی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته بیان کند، به طوری که مدت‌ها بعد از نزول آیه مطلب علمی کشف شود. و این مسئله علمی به گونه‌ای باشد که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نباشد و یا اخبار غیبی قرآن در مورد حوادث طبیعی و تاریخی که بعداً طبق خبر واقع شود و با وسایل آن روز قابل پیش‌بینی نباشد (ر.ک: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱۳۸۱: ۱/۸۵). که این مطلب می‌تواند در حوزه علوم طبیعی (اسرار خلقت) یا علوم انسانی (مثل اخبار تاریخی و قانون‌گذاری قرآن) باشد.

آیت الله فاضل لنکرانی با اشاره به اعجاز علمی قرآن در تعریف اعجاز، این‌گونه

می‌نویسند:

«القرآن معجزه خالده. لا یختص اعجاز القرآن بوجه خاص. التحدی بمن انزل علیه القرآن،

- ۱۱ التحدی بعدم الاختلاف و السلامه و الاستقامه. التحدی بانه تبیان کل شیء؛ التحدی بالاخبار بالغیب. التحدی بالبلاغه. القرآن و معارفه الاعتقادیه القرآن و قوانینه الشرعیه. القرآن و اسرار الخلقه» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۶: ۳۲).

زیست‌نامه آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی

محمد موحدی معروف به فاضل لنکرانی، از مراجع تقلید شیعه ساکن قم بود که به سال ۱۳۱۰ خورشیدی در قم متولد شد و در ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ خورشیدی درگذشت. پدر او شیخ فاضل لنکرانی اهل شهر لنکران در جمهوری آذربایجان کنونی بود. گفته می‌شود مادر وی نیز از سادات مبرقع (برقعی) قم بوده‌اند. او از شاگردان سید حسین طباطبایی بروجردی و هم‌چنین سید نورالدین طاهری شیرازی؛ روح‌الله خمینی و حسینعلی منتظری بود. مدتی برای تحصیل رهسپار نجف اشرف شد و در مدرسه آیت الله بروجردی ساکن شد و در این مدت با بزرگانی از جمله سید محمد هاشم غضنفری خوانساری و سید هادی روحانی قمی هم حجره بود. سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی از مراجع تقلید قم شوهر خاله اوست.

فاضل لنکرانی پس از پیروزی انقلاب ایران (۱۳۵۷) مشغول به تدریس در حوزه علمیه قم شد و پس از درگذشت آیت الله محمدعلی اراکی جایگاه قابل توجهی یافت. وی یکی از هفت مرجعی بود که از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول معرفی شد. وی در ۲۶ خرداد ۸۶ در منزل خود در قم درگذشت و صبح روز دوشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۶ در حرم حضرت فاطمه معصومه، در شهر قم به خاک سپرده شد.

از جمله آثار ایشان عبارتند از:

۱. نهاية التقرير فی مباحث الصلاة (سه جلد)؛ ۲. تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة؛ ۳. کتاب الحج (پنج جلد)؛ ۴. الاجتهاد والتقلید؛ ۵. کتاب الطهارة فصل فی المیاء؛ ۶. احکام التخلی والوضوء؛ ۷. کتاب الصلاة؛ النجاسات و احکامها؛ ۸. کتاب غسل الجنابة، التیمم، المطهرات؛ ۹. الاجارة؛ ۱۰. کتاب الوقف؛ ۱۱. کتاب الخمس؛ ۱۲. کتاب النکاح؛ ۱۳. الطلاق والمواریث؛ ۱۴. القضاء و الشهادات؛ ۱۵. کتاب الحدود؛ ۱۶. کتاب القصاص؛ ۱۷. کتاب المضاربة؛ ۱۸. الاحکام الواضحة؛ ۱۹. معتمد الأصول المجلد الأول و الثاني؛ ۲۰. رساله توضیح المسائل (فارسی)؛ ۲۱. احکام جوانان (فارسی)؛ ۲۲. العروة الوثقی الجزء الأول و الثاني؛ ۲۳. مدخل التفسیر؛ ۲۴. آية التطهير، روية المبتكرة؛ ۲۵. ائمه اطهار پاسداران وحی (فارسی)؛ ۲۶. احکام عمره مفرد (فارسی)؛ ۲۷. القواعد الفقهية؛ ۲۸. کتاب الطهارة؛ ۲۹. جامع المسائل جلد اول و دوم (فارسی)؛ ۳۰. استفتاءات حول الحج و العمره؛

۳۱. احکام الحج من تحرير الوسيلة؛ ۳۲. مناسک الحج؛ ۳۳. مناسک حج (فارسی)؛ ۳۴ .
الدولة الاسلامية؛ ۳۵. ثلاث رسائل؛ ۳۶. حماة الوحي؛ ۳۷. جامع المسائل الجزء الأول؛
۳۸. جامع مسائل الحج والعمرة؛ ۳۹. تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - كتاب الصوم؛
۴۰. پنج پیام؛ ۴۱. استفتاءات عمره مفرده؛ ۴۲. خمس نداءات؛ ۴۳. تفصيل الشريعة المكاسب
المحرمة؛ ۴۴. آيين كشورداری از دیدگاه امام علی (عليه السلام)؛ ۴۵. احکام پزشکان و بیماران.

شناختنامه کتاب مدخل التفسير

کتاب «مدخل التفسير» تأليف آيت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۷۶ش توسط انتشارات دفتر تبليغات اسلامي در قم منتشر شد. اين کتاب مقدمه‌اي برای تفسير قرآن به شمار می‌رود که در آن مباحث مقدماتی تفسير بيان شده است مثل: اعجاز قرآن، قرائات، تحريف ناپذیری قرآن، اصول التفسير (شامل سه بحث حجیت ظواهر قرآن، حجیت قول معصوم و حکم عقل است) و پاسخ به شبهات. نکته جالب آن که در این کتاب ارزشمند به برخی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآن مثل اعجاز و قرائات پرداخته شده است و به برخی از مهم‌ترین مبانی تفسير مثل تحريف ناپذیری و حجیت ظواهر قرآن و برخی قواعد تفسير پرداخته شده است.

البته شیوه علمای شیعه از قرن‌ها قبل چنین بوده که مبانی و قواعد تفسیری و علوم قرآن را در مقدمه تفسير خود می‌نوشته‌اند. مثلاً شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در مقدمه تفسير تبيان و شیخ طبرسی (م ۴۶۸ق) در مقدمه تفسير مجمع البيان و... مطالب علوم قرآنی و مبانی و قواعد تفسیری خود را بیان کرده‌اند (بر خلاف اهل سنت که معمولاً کتاب‌های مستقل در این مورد نگاشته‌اند مثل البرهان فی علوم القرآن، زرکشی (م ۷۴۹ق) و الاتقان فی علوم قرآن سیوطی (م ۹۱۱ق).

حتی آیت الله محمد هادی معرفت که کتاب مستقل مفصل (حدود ۱۰ جلد) در مباحث علوم قرآن نوشت آن را به نام «التمهید فی علوم القرآن» یعنی «مقدمه» نامید و بعداً تفسير خویش تحت عنوان «التفسير الاثری الجامع» را شروع کرد.

به نظر می‌رسد که آیت الله محمد فاضل لنکرانی نیز در صدد نگارش تفسير مستقل بوده است از این رو کتاب مدخل التفسير را شروع کرده است.

در این کتاب ارزشمند تحلیل و نقد بسیار استفاده شده است و نیز به مباحث روز آمد مثل پاسخ به شبهات در زمینه اعجاز قرآن و تحریف ناپذیری پرداخته شده است. ارزش این کتاب در آن است که یک مرجع تقلید بزرگ شیعه که شاگرد مبرز امام خمینی رحمته الله علیه بوده مواضع شیعه را در مورد مهم ترین مسائل علوم قرآن و مبانی تفسیر مثل تحریف ناپذیری و حجیت ظواهر با قاطعیت اعلام کرده است.

نکته قابل توجه آن است که نویسندگان با اینکه از مراجع بزرگ شیعه است و در حد اعلای علم و تحقیق تقوا قرار دارد ولی با کمال بزرگواری و فروتنی در مقدمه کتاب از خوانندگان کتاب می خواهد که نواقص و اشتباهات کتاب را به ایشان تذکر دهند (این روحیه ای بود که نگارنده به عنوان شاگرد درس خارج ایشان در برخورد با شاگردان و کلاس درس، از نزدیک مشاهده کرده بود، رحمة الله و رضوانه علیه).

«وارجو من القاری الکریم ان ینظر الیهما بعین الانصاف وان یدکرنی اذا اشرف علی نقض او اشتباه» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۶: ۱۵).

کتاب این مرجع بزرگ شیعه به این مطالب و مقدمات اشاره دارد:

۱. علمای شیعه به قرآن توجه دارند.

۲. علمای شیعه به علوم قرآن پرداخته اند ولی این مطالب را به عنوان مقدمه و مدخل تفسیر آورده اند.

۳. عالمان شیعه روحیه علمی دارند به گونه ای که از ذکر نواقص علمی خود استقبال می کنند.

پیشینه

اعجاز علمی قرآن با عناوین مختلف در حوزه علوم طبیعی و انسانی در طول تاریخ مطرح شده است که به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

اول. طرح نظریه های اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی^{۱۲۱}

۱. غزالی (م ۵۰۵ ق) طرح اشمال قرآن بر همه دانش های مورد نیاز انسان از جمله علوم تجربی را در کتاب احیاء العلوم بیان می کند.

۲. محمد بن احمد اسکندرانی (م ۱۳۰۶ ق) طرح اعجاز علمی قرآن در حوزه طبیعت و کیهان در کتاب کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فیما يتعلق بالاجرام السماویة والارضیة و الحیوانات و النباتات و الجواهر المعدنیة.

۳. عبدالرحمن کواکبی (۱۳۲۰ ق) طرح اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی در کتاب طبایع الاستبداد.
۴. طنطاوی جوهری (م ۱۳۸۵ ق) طرح اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی در کتاب الجواهر فی تفسیر القرآن.
۵. شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ ق) طرح مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعت و کیهان‌شناسی در تفسیر عم جزء.
۶. رشید رضا (۱۳۵۴ ق) و طرح مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن در تفسیر المنار.
۷. محمد صادق رافعی (۱۳۵۶ ق) مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن در کتاب الاعجاز القرآن والبلاغة النبویة.
۸. عبدالعظیم زرقانی (م ۱۳۶۷ ق) طرح اعجاز پزشکی قرآن در کتاب مناهل العرفان.
۹. محمد مصطفی مراغی (م ۱۹۴۵ م) و احمد مصطفی مراغی (م ۱۳۷۱ ق) و طرح مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن و رابطه آن با پیشرفت علوم بشری در تفسیر المراغی.
۱۰. عبدالله دژاز (م ۱۳۷۷ ق) طرح اعجاز صوتی قرآن، در کتاب النبأ العظیم.
۱۱. سید هبة الدین شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۶۹ ق) طرح اعجاز نجومی قرآن، در کتاب الاسلام والهیئة.
۱۲. یدالله نیازمند شیرازی (زنده در ۱۳۲۶ ش) طرح مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن مثل اعجاز فیزیکولوژی و اعجاز در طرح نظریه تکامل، در کتاب اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی.
۱۳. آیت الله احمد اهتمام (م ۱۳۴۶ ش) طرح مصادیق جدید اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی، در کتاب فلسفه احکام.
۱۴. آیت الله معرفت (م ۱۳۸۵) طرح مصادیق متعدد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی، در کتاب التمهید فی علوم القرآن.
۱۵. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (م ۱۳۷۱ ش) طرح اسرار خلقت در طبیعت و جهان، در کتاب البیان فی تفسیر القرآن.
۱۶. شهید مطهری (م ۱۳۵۸ ش) طرح اعجاز علمی قرآن در حوزه طبیعت و کیهان‌شناسی در کتاب آشنایی با قرآن.

۱۷. آیت الله فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ ش) طرح اسرار خلقت در قرآن، در کتاب مدخل التفسیر.
۱۸. دکتر سید رضا پاک‌نژاد (م ۱۳۶۰ ش) طرح اعجاز رنگ‌ها در قرآن در کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر.
۱۹. آیت الله سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) طرح اعجازهای قرآن در علوم طبیعی، در کتاب تفسیر پرتوی از قرآن.
۲۰. احمد امین (م ۱۹۵۴ م - ۱۳۷۳ ق) طرح اعجازهای علمی قرآن در علوم طبیعی، در کتاب راه تکامل.
۲۱. محمد تقی شریعتی (م ۱۳۶۶ ش) طرح اعجازها و نظریه‌پردازی قرآن در زیست‌شناسی و فیزیک، در کتاب تفسیر نوین.
۲۲. مهندس مهدی بازرگان (م ۱۳۷۲ ش) طرح اعجاز قرآن در هواشناسی و خاک‌شناسی، باد و باران در قرآن.
۲۳. آیت الله مکارم شیرازی (معاصر) و مصادیق متعدد اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم طبیعی، در کتاب‌های «تفسیر نمونه»، «تفسیر موضوعی پیام قرآن» و «قرآن و آخرین پیامبر ﷺ».
۲۴. آیت الله سبحانی (معاصر) طرح اعجازهای کیهان‌شناختی و زیست‌شناسی قرآن، در کتاب برهان رسالت.
۲۵. آیت الله صاف گلپایگانی (معاصر) و اعجاز قرآن در تسخیر ماه، در کتاب به سوی آفریدگار.
۲۶. دکتر موریس بوکای طرح اعجاز علمی قرآن در مقایسه با تورات و انجیل، در کتاب مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم.
۲۷. عبدالرزاق نوفل (معاصر) طرح اعجاز علمی قرآن در علوم طبیعی، در کتاب القرآن و العلم الحدیث.
۲۸. دکتر لیب بیضون (معاصر) طرح اعجاز علمی قرآن در علوم طبیعی و ریاضی، در کتاب‌های الاعجاز العلمی للقرآن الکریم، الاعجاز العددی.

دوم. طرح نظریه‌های اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی^{۱۳۱}

۱. علامه محمد جواد بلاغی (م ۱۳۵۲ق) طرح اعجاز تاریخی، تشریحی (قانون‌گذاری) و اعجاز اخلاقی (و تربیتی) قرآن، در تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن.
۲. امین خولی (م ۱۹۶۹ م) طرح اعجاز نفسی (روان‌شناختی) قرآن، در مجموعه مقالاتی با عنوان مناہج التجدید فی النحو والبلاغة و التفسیر والادب.
۳. سید قطب (م ۱۳۸۷ ق) طرح تصویر هنری قرآن قوانین فرازمانی و فرامکانی، در دو کتاب تصویر الفنی و کتاب مشاهده القیامه.
۴. عبدالله دزّاز (م ۱۳۷۷ ق) طرح اعجاز در انقلاب تاریخی قرآن، در کتاب النبأ العظیم، نظرات جدیدہ فی القرآن.
۵. علامه طباطبائی (م ۱۳۶۰ ش، ۱۴۰۵ ق) طرح اعجاز تشریحی و سیاسی قرآن (تفاوت اعجاز قرآن نسبت به علوم مخاطبان)، در کتاب اعجاز قرآن و تفسیر المیزان جلد اول ذیل مبحث اعجاز.
۶. آیت الله محمد هادی معرفت (م ۱۳۸۵ ش) و اعجاز تشریحی قرآن، در کتاب التمهید فی علوم القرآن.
۷. آیت الله سید ابوالقاسم خویی (م ۱۳۷۱ ش) و اعجاز تشریحی قرآن و اخبار غیبی، در کتاب البیان فی تفسیر القرآن.
۸. شهید مرتضی مطهری (م ۱۳۵۸ ش) و اعجاز در جنبه هنری، اعجاز تشریحی و اعجاز اخلاقی و تربیتی قرآن، در مجموعه آثار شهید مطهری، جلد چهارم.
۹. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ ش) و اعجاز تشریحی، اخبار غیبی قرآن، در کتاب مدخل التفسیر.
۱۰. محمود مهدی استانبولی و طرح اعجاز سیاسی و اجتماعی قرآن، در کتاب دین الغد، معجزات القرآن فی العلم و السياسة والاجتماع.
۱۱. دکتر مصطفی رجب (معاصر) و اعجاز تربیتی قرآن در کتاب الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم.
۱۲. دکتر رفیق یونس المصری و اعجاز اقتصادی قرآن در کتاب الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم.

۱۳. دکتر اسامه سید عبدالسمیع و اعجاز اقتصادی قرآن در کتاب الاعجاز الاقتصادية فی القرآن الکریم (دراسة تأصيلیه تطبیقیه).
۱۴. دکتر امیرعلی لطفی (معاصر) طرح اعجاز مدیریتی قرآن در مقاله اعجاز مدیریتی قرآن در مجله قرآن و علم.

گونه‌های اعجاز علمی از منظر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

اعجاز علمی قرآن در دو حوزه‌های علوم طبیعی و علوم انسانی مطرح شده است که آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در موارد متعددی به مصادیق و گونه‌های اعجاز علمی در این حوزه‌ها اشاره کرده‌اند:

۱. اعجاز تاریخی قرآن

اعجاز تاریخی قرآن یکی از زیرمجموعه‌های اعجاز در حوزه علوم انسانی می‌باشد. آیت الله العظمی فاضل لنکرانی با اشاره به معنای اعجاز غیبی قرآن و تحدی به اخبار غیبی در آیات متعدد قرآن مصادیقی از اعجاز تاریخی قرآن را بر شمرده‌اند. ایشان یادآور می‌شوند که خبرهای غیبی قرآن از این جهت اعجاز است که انسان راه به سوی اطلاع از امور غیبی ندارد. چون قوای ظاهری و باطنی انسان بدون کمک غیبی از راه وحی الهی نمی‌تواند از این امور اطلاع پیدا کند.

مثال: پیشگویی بازگشت پیامبر ﷺ و مسلمانان به مکه بعد از هجرت به مدینه و ممنوعیت مشرکین از ورود ایشان به مکه؛

«و منها: ما ورد فی رجوع النبی، و دخول المسلمین إلى معاده، و المسجد الحرام من قوله تعالی فی سوره القصص ۸۵: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ و قوله تعالی فی سوره الفتح ۲۷ ﴿لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ﴾».

شان نزول: پیامبر ﷺ در مدینه در خواب دیدند که به اتفاق یارانشان برای انجام مراسم عمره، وارد مکه می‌شوند و این خواب را برای اصحاب خود بیان کردند و همگی خوشحال شدند و گروهی تصور کردند که این خواب در همان سال ششم هجری تحقق خواهد یافت.

هنگامی که مشرکان در حُدیبیه مانع ورود مسلمانان به مکه شدند، این گروه در مورد صحت خواب پیامبر صلی الله علیه و آله به تردید افتادند، و پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ آنان گفت: مگر من به شما گفتم که این رؤیا در همین امسال تحقق می‌یابد؟!
 آیه فوق در هنگام بازگشت مسلمانان به مدینه در این مورد فرود آمد و تأکید کرد که رؤیای پیامبر صلی الله علیه و آله صادق است و قطعاً در آینده تحقق می‌یابد (محقق، نمونه بینات، ۱۳۵۹: ۷۳۴).

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. رؤیای پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از اقسام وحی است و اجرای آن برای پیامبر صلی الله علیه و آله است، همان گونه که در مورد ابراهیم و اسماعیل نیز اتفاق افتاد (صافات/ ۱۰۲ و یوسف/ ۴).
۲. این آیه یکی از پیش‌گویی‌های اعجاز‌آمیز قرآن است؛ زیرا با تأکید زیاد به مسلمانان وعده می‌دهد که خواب پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد داخل شدن شما به مسجد الحرام تحقق می‌یابد، و این کار با کمال امنیت انجام می‌گیرد و طبق پیش‌گویی قرآن در سال بعد، یعنی ذی القعدةی سال هفتم هجری این عمره انجام گرفت و به «عمره القضا» مشهور شد؛ زیرا قضای عمره سال قبل به شمار آمد، که در اثر ممانعت مشرکان انجام نشده بود.
۳. تعبیر «تراشیدن سر و گرفتن ناخن» اشاره به برخی آداب مراسم عمره است که تقصیر نام دارد و شخصی که لباس احرام پوشیده و محرم شده است در پایان به وسیله تقصیر از احرام خارج می‌شود.
 برخی این آیه را دلیل بر اختیار شخص مُحَرَّم در تراشیدن سر یا کوتاه کردن ناخن دانسته‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۲/۱۰۵).

مثال دیگر: پیروزی رومیان بر ایرانیان در جنگی که شکست سختی خورده بودند:
 و منها: قوله تعالى في سورة الروم ۵: ﴿بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ فان فيه خبرين عن الغيب ظهر صدقهما بعد بضع سنين من نزول الآية، فغلبت الروم فارس، و دخلت مملكتها قبل مضي عشر سنين، و فرح المؤمنون بنصر الله (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۶: ۶۰).

﴿الم * غَلَبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَبْعِينَ﴾ (روم/ ۱-۳)؛ «الف، لام، میم * (سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ * و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد».

شان نزول: حکایت شده که در هنگام حضور پیامبر ﷺ در مکه، جنگی میان ایرانیان و رومیان (که دو ابرقدرت آن عصر بودند) واقع شد و در این نبرد ایرانیان پیروز شدند. آیات فوق فرود آمد و به صورت اعجاز آمیزی پیش‌گویی کرد که در آینده‌ای نزدیک رومیان پیروز می‌شوند؛ و پس از چند سال این واقعه به وقوع پیوست و بار دیگر حقانیت پیامبر ﷺ و قرآن اثبات شد.^[۴]

نکته‌ها و اشاره‌ها

۱. یکی از جهات اعجاز قرآن همان پیش‌گویی‌های تاریخی و اخبار غیبی آن است که آیه فوق را از این موارد شمرده‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۶۵)، چرا که قرآن با تأکیدات متعدد به طور قاطع پیش‌گویی می‌کند که رومیان پس از شکست خود به زودی پیروز می‌شوند و حتی حدود سال‌های آن را پیش‌بینی می‌کند که این پیش‌گویی پس از چند سال به وقوع پیوست.

پیش‌بینی پیروزی قدرت‌های بزرگ، آن هم در عرض چند سال کوتاه و پس از شکستی سنگین، کاری دشوار است و با علم عادی ممکن نیست و حتی کارشناسان سیاسی و نظامی نیز در این موارد با احتیاط سخن می‌گویند.

۲. دولت ایران و روم در عصر پیامبر ﷺ دو ابرقدرت بزرگ جهان به شمار می‌آمدند. در آن زمان پادشاه ایران «خسرو پرویز» و پادشاه روم «هرقل» بود و جنگی ۲۴ ساله بین آنان در گرفت. نخست سپاه ایرانیان به سرداری «شهربراز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کردند و به سختی آنان را شکست دادند که منطقه شامات، مصر و آسیای صغیر را تصرف کردند. این شکست در حدود سال ۶۱۶ میلادی (یعنی حدود سال ششم یا هفتم هجری) رخ داد^[۵] سپس پادشاه روم در سال ۶۲۲ میلادی تهاجم خود را به ایران آغاز کرد و ظرف شش سال ایران را شکست داد (همان، ۳۶۹).

بنابراین، شکست ایرانیان در حدود سال‌های اول تا ششم هجری بود و صلح حدیبیه نیز در سال ششم هجری واقع شد.

۳. محل درگیری سپاه ایران و روم و مکان شکست رومیان، در شمال جزیره العرب در سرزمین شام، نزدیک محل سکونت مردمان مکه بوده است.

البته برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که این مکان نزدیک‌ترین نقطه مرزی ایران و روم بوده که شکست رومیان در آن نقطه اهمیت بیش‌تری داشته است؛ چرا که اگر کشوری در نقطه مرزی و محل قوت خود شکست بخورد، به زودی قادر به جبران شکست نخواهد بود (همان، ۳۶۱). در این صورت پیش‌گویی پیروزی رومیان اهمیت بیش‌تری می‌یابد.

برخی از محققان نیز این بخش از آیه را یکی از موارد اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند؛ چرا که محققان علم جغرافیا دریافته‌اند که گودترین و پایین‌ترین منطقه روی زمین «بحر المیت» (منطقه‌ای نزدیک فلسطین) است که جنگ ایران و روم در آن واقع شد و قرآن با تعبیر «الارض» (پایین‌ترین و پست‌ترین سرزمین)^[۷] به آن اشاره کرده است.^[۷]

۴. «بِضَع» به معنای زمانی حدود سه تا نه سال است.^[۸] پیش‌بینی قرآن به صورت حدودی است؛ چرا که جنگ‌های آن عصر چندین سال طول می‌کشید و در طول جنگ و پس از فراز و نشیب‌ها معلوم می‌شد که چه کسی شکست خورده است.

۵. در این آیات بیان شده که مؤمنان در هنگام پیروزی رومیان خوشحال خواهند بود. این خود پیش‌گویی دیگری در این آیات است؛ چرا که در هنگام پیروزی رومیان، صلح حدیبیه واقع شد که پیروزی بزرگی برای مسلمانان بود و آنان به خاطر آن شادمان بودند. البته این احتمال نیز هست که شادی مسلمانان که در آیه بدان اشاره شد به خاطر تحقق پیش‌گویی قرآن و اثبات حقانیت آن بوده باشد (همان، ۳۶۳).^[۹]

۲. اعجاز تشریحی قرآن

آیت‌الله فاضل لنکرانی یکی از ابعاد اعجاز قرآن را، اعجاز تشریحی آن می‌داند که از زیرمجموعه‌های اعجاز حقوقی و فقهی قرآن به شمار می‌آید که از همین‌رو زیرمجموعه اعجاز علمی در حوزه علوم انسانی قرار می‌گیرد.

ایشان با اشاره به موارد متعددی از قوانین قرآن آن‌ها را از مصادیق اعجاز تشریحی می‌شمارند. از جمله:

۲۱

مثال اول: دعوت به عدالت

«فتراه فی مواضع متعدده یأمر الناس بسلوک العدل، الذی هی الجاده الوسطی التی لا انحراف عنها یمینا و شمالا کما فی قوله: تعالی فی سوره النحل ۹۰ ﴿إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِیتَاءِ ذِی الْقُرْبٰی﴾»

مثال دوم: دعوت به راه مستقیم
و کذا يأمرهم بأن يطلبوا منه الهدايه الى الصراط المستقيم، كما فى قوله تعالى فى سورة
الفاتحه: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾.

مثال سوم: وضع قوانين بدون عسر و حرج
و کذا ملاحظه سائر قوانينه المؤثره فى تحصيل السعاده الدنيويّه، او الاخرويّه، و الخاليه
عن وصف الكلفه و الحرج، بحيث اخبر الله تعالى بان ما يكون حرجيًا لم يكن مجعولا فى
الدين و الشريعه، و انه تعلقت ارادته باليسر و لم تتعلق بالعسر.

مثال چهارم: وضع قوانين تأمین کننده سعادت بشر
و بالجملة: ملاحظه نظام القرآن و تشريعه ترشد الباحث - غير المتعصب - الى عدم كونه
مصنوعا للبشر، فانه كيف يمكن له الاحاطه بجميع الخصوصيات الدخيله فى سعاده الدارين،
حتى يضع قانونا منطبقا عليها، فضلا عن القوانين الكثيره الثابته فى جميع الوقائع و الحوادث
المبتلى بها» (فاضل لنكرانى، مدخل التفسير، ۱۳۷۶: ۷۷).

۳. اعجاز در حوزه علوم طبيعى

قرآن كريم گاهى از اسرار خلقت خبر مى دهد كه اعجاز علمى در حوزه علوم طبيعى به
شمار مى دهد.

آيت الله العظمى فاضل لنكرانى در موارد متعددى به مصاديق اين اعجازها اشاره کرده است:

يك. اعجاز نجومى قرآن

آيت الله العظمى فاضل لنكرانى در اين مورد با اشاره به حرکت زمين، آيات متعددى را
مطرح مى کند:

«و ما ورد فى شأن الارض، و أنّها متصفه بوصف الحركة، غايه الامر انه حيث كان سکون
الارض من الامور المسلّمه فى الكاشف لحركة «غاليه» ذلك العصر، بل و بعده الى حدود
القرن العاشر من الهجره، و لذا صار الحكيم المعروف به الارض و المثبت لها موردا للاهانسه و
التعذيب و التحقير، مع جلالته العلميه، و مقامه الشامخ، لم يصرّح القرآن بذلك حذرا من ترتب
النتيجه المعكوسه عليه، و حصول نقض الفرض بسببه، بل اشار إلى ذلك باشارات لطيفه، و

ایماعات بلیغه لیهتدی إليها البشر فی عصر توفر العلم و الاكتشاف، فیعتقد بأن هذا الكتاب نازل من عند الله المحيط بحقایق الاشياء، و العالم باسرار الكون، و رموز الخلیقه، و قد تحققت هذه الاشاره فی ضمن آیات كثيره:

كقوله تعالى فی سورتی طه و الزخرف ۵۳، ۱۰: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا﴾ فانه تعالى قد استعار لفظ «المهد» للارض، و من البین أن الخصوصیه المترقبه من المهد، المعد للرضیع، و المصنوع لاجله، و الجهه الملحوظه التي بها يتقوم عنوان المهدیه لیست هی الوضع الخاص، و الشكل المخصوص الحاصل من تركيب مواد مختلفه، و ضم بعضها إلى بعض، بل الخصوصیه هی حركة المهد و انتقاله من حال إلى حال.

ففی الآیه الشریفه إشاره لطیفه إلى حركة الارض، من جهه استعاره لفظ المهد لها و انه كما أن حركة المهد لغايه تربيته الطفل و استراحتة، كذلك حركة الارض تكون الغايه لها تربيته الموجودات من الانسان و غيره.

و قوله تعالى فی سوره الملك ۱۵: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا﴾.

فانه تعالى قد استعار لفظ «الذلول» للارض، مع أنه عباره عن نوع خاص من البعير، و يكون امتیازه بسهولة انقیاده، ففیه إشاره إلى أن الخصوصیه الموجوده و الذلول، التي لیست لغيره ثابتة فی الارض، فهي أيضا متحركه بحركه ملائمته للراكب علیها، الماشی فی مناكبها. و من البین أنه مع قطع النظر عن هذه الخصوصیه - و هی خصوصیه الحركه - يكون اطلاق لفظ الذلول على الارض و استعارته لها ليس له وجه ظاهر حسن، خصوصا مع تفريع الامر بالمشی علیه، و إطلاق لفظ المنكب كما هو غير خفی.

و قوله تعالى فی سوره التمل ۸۸ ﴿و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾.

فانّه بقربینه وقوعها فی سياق الآيات الوارده فی القیامه و احوالها، ربما یقال -كما قيل- بان هذه الآیه أيضا ناظره إلى أحوال القیامه و احوالها، مع أنه لا وجه للحمل على ذلك المقام، خصوصا مع قوله تعالى فی الذیل «صنع الله...» الظاهر فی ارتباط الآیه بشئون الخلقه و ابتدائها، و حسنها و جمالها، مع انها فی نفسها أيضا ظاهره فی أن المرور و الحركه ثابت للجبال فعلا، كما أن حسبان

کونها جامده أيضا كذلك، فالآیه تدلّ على ثبوت المرور و الحركة للارض من بدو خلقتها و مصنوعيتها و ان الحركة دليل بارز على اتقانها، و فيها اشارات لطيفه و دقائق ظريفه: من جهه: أنه تعالى جعل الدليل و الأماره على حركة الارض حركة الجبال التي هي أوتاد لها، و لم يثبت الحركة في هذه الآيه لنفس الارض من دون واسطه. و لعله للإشاره إلى أن حركة الجسم الكروي بالحركة الوضعيه دون الانتقاليه، حيث لا تكون محسوسه إلا بسبب النقوش و الالوان، أو الارتفاعات الثابته عليه و في سطحه، فلذا يكون الدليل على حركته حركة ذلك النقش و اللون أو الارتفاع. و من جهه: التعبير عن حركتها بالمرور الذي فيه إشاره إلى بطء حركة الارض و ملائمتها. حسب القانون الطبيعي الذي اودعه الله فيها.

و من جهه: ان التشبيه بالسحاب، مع كون حركتها مختلفه، فانّها قد تمرّ إلى جانب المشرق، و قد تتحرك إلى سائر الجوانب من الجوانب الاربعه: يدل على عدم اختصاص حركة الارض بحركه خاصه، بل لها حركات مختلفه ربما تتجاوز عن عشره أنواع و من غير تلك الجهات» (فاضل لنكراني، مدخل التفسير، ۱۳۷۶: ۸۱).

توضیح حرکت زمین

در مورد حرکت زمین به آیات متعددی استناد شده است که در ابتداء آن آیات را فهرست وار بر می شماریم و سپس هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم:

* آیات زیر در مورد حرکت وضعی زمین مورد استناد واقع شده است:

(مرسلات / ۲۵؛ الشمس / ۶؛ نمل / ۸۹؛ نبا / ۷؛ نحل / ۱۵؛ انبیاء / ۳۱؛ لقمان / ۱۰).

* آیات زیر در مورد حرکت انتقالی زمین مورد استناد واقع شده است:

(ملک / ۱۵؛ مرسلات / ۲۵؛ الشمس / ۶؛ نمل / ۸۹؛ فصلت / ۱۱).

* آیات زیر در مورد دیگر حرکت های زمین مورد استناد واقع شده است:

(زخرف / ۱۰؛ طه / ۵۳؛ نبا / ۶؛ بقره / ۲۲).

اینک هر کدام از آیات به صورت مستقل مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. «وترى الجبال تحسبها جامدة و هي تمر مر السحاب» (نمل / ۸۹)؛ «و می بینی کوه ها را و گمان می کنی که ایستاده است در حالی که آن ها مانند ابرها در حرکت هستند».

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «قراین فراوانی در آیه وجود دارد که تفسیر دیگری را تأیید می‌کند و آن این‌که آیه از قبیل آیات توحید و نشانه‌های عظمت خداوند، در همین دنیا است و به حرکت زمین که برای ما محسوس نیست اشاره می‌کند.

مسلماً حرکت کوه‌ها بدون حرکت زمین‌هایی دیگر که به آن‌ها متصل است معنا ندارد و به این ترتیب معنای آیه چنین می‌شود که: زمین با سرعت حرکت می‌کند هم‌چون حرکت ابرها، طبق محاسبات دانشمندان امروز، سرعت سیر حرکت زمین، به دور خود نزدیک به ۳۰ کیلومتر در هر دقیقه است و سیر آن در حرکت انتقالی، به دور خورشید از این هم بیشتر است به هر حال آیه فوق، از معجزات علمی قرآن است زیرا حرکت زمین توسط گالیله ایتالیایی و کپرنیک لهستانی در حدود قرن هفده میلادی کشف شد در حالی که قرآن حدود هزار سال قبل از آن سخن گفته است» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۵/۵۶۸).

برخی مفسران مثل مرحوم طبرسی در مجمع البیان حرکت کوه‌ها را مربوط به قیامت و تلاش آن‌ها می‌دانند و این مطلب را از ابن عباس نقل می‌کند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۲: ۷/۲۳۶).

اما برخی از مفسران مثل استاد مکارم شیرازی این احتمال را رد می‌کند و می‌گویند:

تشبیه به ابر و حرکت آرام آن که در دنباله آیه هست متناسب با برقرار نظم جهان و آرامش فعلی آن نه حوادث قیامت است. و از طرف دیگر تعبیر این‌که «گمان می‌کنی کوه‌ها جامدند» با حوادث قیامت که آشکار است، ناسازگار است (تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۵/۵۶۸).

سید هبة الدین شهرستانی نیز با ذکر آیه فوق حرکت زمین را از آن استفاده می‌کند و تذکر می‌دهد که، مرحوم علی قلی اعتضاد السلطنه پسر فتحعلی شاه بیش از پنجاه سال پیش از این آیه حرکت زمین را استنباط نموده و کسی در این استخراج بر او پیشی نگرفته است.

و سپس در مورد تشبیه حرکت زمین به ابر چند نکته را بر می‌شمارد: نرمی و همواری سیر در عین سرعت - اختلاف حرکت ابرها که گاهی به طرف شرق و غرب و... مثل زمین - بدون لرزش بودن هر دو حرکت (شهرستانی، اسلام و هیئت، ۱۳۵۶: ۵۷-۵۹).

برخی از نویسندگان معاصر نیز از آیه فوق حرکت زمین را استفاده کرده‌اند و می‌گویند پیداست که سرعت ابر اشاره به سرعت زیاد زمین است همان‌گونه که می‌گوییم: فلانی مثل باد حرکت می‌کند (سرفرازی، رابطه علم و دین، ۱۳۶۴: ۳۳-۳۴).

و نیز در مقدمه کتاب اعجاز قرآن علامه طباطبایی رحمته الله از آیه فوق (نمل / ۸۸) حرکت انتقالی زمین را استفاده می‌کنند (طباطبایی، اعجاز قرآن، ۱۳۶۲: ۱۳).

استاد حسین نوری نیز همین آیه (نمل / ۸۸) را اشاره به حرکت کوه‌ها و زمین می‌داند (دانش عصر فضا، ۱۳۷۰: ۳۵). همان‌گونه که مهندس علی سادات همین معنا را پذیرفته است (سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ۱۳۷۵: ۲۴).

بررسی

استفاده حرکت انتقالی زمین از آیه فوق (نمل / ۸۹) مناسب است، چرا که کوه‌ها را به ابر تشبیه کرده است و ابر حرکت انتقالی به دور زمین دارد ولی حرکت دورانی (وضعی) به دور خود ندارد پس حرکت وضعی زمین از این تشبیه قرآنی استفاده نمی‌شود و لذا اشاره تفسیر نمونه زیر آیه به حرکت دورانی زمین مناسب ندارد.

۲. ﴿وَالَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا﴾ (زخرف / ۱۰)؛ «و اوست که زمین را برای شما گاهواره‌ای قرار داد».

و همین مضمون در سوره طه / ۵۳ و نبأ / ۶ (مهاداً) آمده است. و نیز در سوره بقره / ۲۲ می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا﴾؛ «آن‌که زمین را برای شما بستر (آرامش) قرار داد».

برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران از تعبیر «مهداً» حرکت زمین را استفاده کرده‌اند و می‌نویسند: «چه تشبیه جالبی: قرآن زمین را مانند گاهواره توصیف می‌کند. همان‌گونه که می‌دانید. از ویژگی‌های گاهواره این است که در عین این‌که حرکت می‌کند، موجب ناراحتی و رنجش کودک نمی‌شود. بلکه سبب استراحت و آسایش اوست» (نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ۱۳۷۷: ۳۵؛ علامه خویی، مرزهای اعجاز، ۱۳۶۲: ۱۱۹، ترجمه استاد سبحانی). و برخی دیگر از نویسندگان نیز همین استفاده (حرکت زمین) را نموده‌اند (سرفرازی، رابطه علم و دین، ۱۳۶۴: ۳۳).

و در مقدمه کتاب اعجاز قرآن علامه طباطبایی رحمه الله نیز از آیه ۵۳ سوره طه حرکت انتقالی زمین را استفاده کرده‌اند (طباطبایی، اعجاز قرآن، ۱۳۶۲: ۱۳).

و نیز شیخ نزیه القمیحا از آیه طه / ۵۳ و زخرف / ۱۰ حرکت زمین را استفاده کرده‌اند (قمیحا، القرآن يتجلى في عصر العلم، ۱۹۹۷: ۱۴۹).

مهندس سادات نیز همین معنا را از آیه ۱۰ سوره زخرف و ۶ سوره نبا استفاده کرده است (سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ۱۳۷۵: ۲۴).

سید هبة الدین شهرستانی رحمته الله نیز آیه فوق (زخرف/ ۱۰) را دلیل بر حرکت زمین می‌داند و تشبیه زمین به گاهواره را از جهت حرکت آرام آن‌ها و این‌که هر دو باعث رشد نمو (بچه در گاهواره و انسان در زمین) می‌شوند، می‌داند (شهرستانی، اسلام و هیئت، ۱۳۵۶: ۵۴).

استاد مصباح یزدی با رد استفاده حرکت زمین از آیه فوق می‌نویسند:

«مهد و مهاد نیز معنایی همانند «فراش» دارند، برخی گفته‌اند که می‌توان از این دو کلمه دریافت که هم‌چون گاهواره دارای حرکت است اما این روشن نیست زیرا در آن صورت جای آن است که دیگری بگوید نوع این حرکت، گاهواره‌ای و دارای رفت و برگشت است در حالی که چنین نیست.

بنابراین ظاهر آیه همان اشاره به راحتی و جای استراحت و آرامش است هم‌چنان که گاهواره برای نوزاد چنین است» (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۶۷: ۲۵۳).

تذکر: واژه «مهد و مهاد» در لغت به معنای محلی است که آماده سکونت و استراحت شده است و یکی از مصادیق آن گاهواره کودک و زمین آماده و محل خواب است (ر.ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۰: ۱۱/۱۸۹ و نیز مصباح اللغة و مقایس اللغة). و هم‌چنین به زمین به خاطر صافی و نرمی و آمادگی آن (با وجود معادن، دریاها و...) برای زندگی انسان «مهد» گویند (همان، ۱۹۰).

بررسی

اگر بپذیریم که «مهد و مهاد» فقط به معنای گاهواره کودک است پس از آیات فوق و تعبیر «مهد و مهاد» حرکت زمین استفاده می‌شود، اما نوع خاصی از حرکت که به نام میل شمالی و جنوبی که ۲۳ درجه و ۲۳ دقیقه است (ر.ک: نژد، جهان دانش، فرهنگ دانستی‌ها، ۱۳۷۴: ۲/۵۳۹).

یعنی زمین مثل گاهواره‌ای میل شمالی و جنوبی آرامی را در طول سال طی می‌کند.

۲۷ پس اشکال استاد مصباح (در مورد حرکت رفت و برگشت) بر طرف می‌شود چرا که یکی از حرکت‌های زمین گاهواره‌ای است. و اما حرکت انتقالی از آیات فوق برداشت نمی‌شود و اصلاً خود تشبیه گاهواره می‌تواند این اشاره را داشته باشد چون گاهواره هیچ‌گاه حرکت وضعی و انتقالی ندارد بلکه رفت و برگشت منظم در حول یک محور دارد.

اما با توجه به معنای لغوی «مهد و مهاده» که همیشه به معنای گاهواره کودک نیست بلکه به معنای محل آماده استراحت و یا محل آماده زندگی می‌آید. و گاهواره یکی از مصادیق آن است پس نمی‌توان قطعاً بیان داشت که به کار بردن تعبیر «مهد و مهاده» در مورد زمین با توجه و عنایت به حرکت‌های گاهواره‌ای آن بوده است. هر چند که این احتمال نیز وجود دارد و قابل نفی نیست. اما با توجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی «مهد و مهاده» در آیات دیگر ممکن است به معنای محل استراحت و آماده زندگی (نه محل دارای حرکت) باشد. پس اشکال استاد مصباح (در مورد نفی نسبت قطعی حرکت گاهواره‌ای زمین به آیات فوق) وارد است. و نمی‌توان به طور قطعی حرکت گاهواره‌ای زمین را بر طبق آیه فوق به قرآن نسبت داد.

۳. ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا﴾ (ملک/ ۱۵)؛ «او خدایی است که زمین را برای شما مرکبی راهوار و رام شده قرار داد تا بتوانید در روی آن راهپیمایی کنید...».

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد:

«ذللول» به معنای «رام» تعبیر جامعی در مورد زمین است چرا که زمین با حرکت‌های متعدد و سریعی که دارد آن چنان رام به نظر می‌رسد که گویی ساکن است. و کلمه مناکب جمع منکب (بر وزن مغرب) به معنای شانه است. گویی انسان پا بر شانه زمین می‌گذارد و چنان زمین آرام است که می‌تواند تعادل خود را حفظ کند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۴/۳۳۷).

استاد مصباح یزدی در مورد آیه فوق می‌نویسند:

«نکته‌ای که در آیه اخیر بر آن تکیه شده، این است که: زمین زیر پای آدمی، رام است و چون مرکبی راهوار و از آن می‌توان دریافت که زمین دارای حرکت انتقالی است زیرا «ذللول» به معنی شتر راهوار است (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۶۷: ۲۵۳).

سید هبة الدین شهرستانی نیز می‌نویسد که کلمه «ذللول» در لغت و عرف عرب اطلاق می‌شود بر نوعی از شتر که در راهواری و همواری و آسان سواری ممتاز است....

اگر مانع قطعی خارجی نباشد استظهار حرکت زمین و استفاده آن، از این آیه برای ما روا و جایز خواهد بود (شهرستانی، اسلام و هیئت، ۱۳۵۶: ۵۶).

برخی از نویسندگان معاصر مثل: گودرز نجفی (نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ۱۳۷۷: ۳۴)، مهندس محمد علی سادات و نویسنده مقدمه اعجاز قرآن علامه طباطبایی (سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ۱۳۵۷: ۲۴) نیز این آیه را اشاره به حرکت انتقالی زمین دانسته‌اند.

بررسی

ظاهراً استفاده حرکت انتقالی زمین از آیه فوق مانعی ندارد. و با معنای لغوی و ظاهر آیه متناسب است.

جمع بندی

در مورد حرکت زمین و آیات مورد استناد تذکر چند نکته لازم است:

۱. در مجموع از ۱۳ آیه‌ای که مورد بحث واقع شد و با توجه به اشکالاتی که به دلالت برخی آیات وارد شد می‌توان نتیجه گرفت که اجمالاً حرکت زمین مورد پذیرش قرآن کریم بوده است هر چند که این آیات به حرکت‌های متفاوت زمین اشاره می‌کند و همه آن‌ها یک حرکت خاص را نمی‌گویند.

۲. تعبیرات قرآن و اشارات علمی آن به حرکت زمین بر خلاف هیئت بطلمیوسی حاکم بر فضای علمی زمان نزول قرآن بوده است چرا که در هیئت بطلمیوسی زمین را ساکن و مرکز جهان می‌دانستند اما قرآن سخن از حرکت آن گفته است. و این یکی از مطالب علمی حق و صادق قرآن بود که حدود نه قرن بعد از نزول آن‌ها توسط امثال کپرنیک به اثبات رسید. این گونه مطالب عظمت قرآن و پیامبر ﷺ را می‌رساند.

۳. خبر دادن قرآن از حرکت زمین، هر چند که عظمت قرآن را می‌رساند ولی اعجاز علمی قرآن محسوب نمی‌شود چرا که در تاریخچه بیان کردیم که افرادی مثل فیثاغورس و فلوطه خوس، ارشمیدس، استرخوس ساموسی و کلیانتوس آسوسی قبل از بطلمیوس قائل به حرکت زمین شده بودند. پس قبل از ظهور اسلام دو دیدگاه در محافل علمی جهان در مورد حرکت و سکون زمین بوده است که دیدگاه حاکم و مشهور همان سکون زمین یعنی نظریه بطلمیوس بود و دیدگاه مغلوب همان حرکت زمین بود.

اعجاز علمی وقتی صادق است که نظریه‌ای را قرآن ابراز کند و کسی نتواند مثل و مانند آن را به صورت عادی بیاورد. در حالی که نظریه حرکت زمین قبل از قرآن آورده شده بود ولی مشهور نبود.

هر چند که این مطلب ضرری به عظمت قرآن نمی‌زند چرا که قرآن در عصری که مشهور دانشمندان مقهور نظریه سکون زمین بطلمیوس بودند شجاعانه و با صراحت بر خلاف آن سخن گفت و مطالب علمی حق و صادقی را به جهان عرضه کرد که قرن‌ها بعد به صورت قطعی به اثبات رسید.

دو. اعجاز زیست‌شناختی قرآن

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در این مورد به زوجیت عام موجودات و نیز زوجیت گیاهان که به وسیله حرکت باد موجب بارور شدن گیاهان می‌شود اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«ما ورد فی شأن النبات، و ثبوت سنّه الزواج بینها، كما فی الحيوانات، و ان اللقاح الذی یفتقر الیه فی انتاج الزوجین انما یحصل بسبب الريح، و هو قوله تعالی فی سوره یس ۳۶: ﴿سُبْحَانَ الَّذِیْ خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا یَعْلَمُونَ﴾

توضیح زوجیت

زوجیت به معنای دو تا بودن، نر و ماده بودن می‌آید و قرآن کریم در آیات متعدد به زوجیت گیاهان بلکه همه اشیاء اشاراتی کرده است. این آیات عبارتند از:

﴿وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُزُقِينَ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (رعد/۳)؛ «و از هر گونه میوه‌ای در آن [زمین] جفت جفت قرار داد. روز را به شب پوشاند قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌های وجود دارد» و همین مضمون در سوره الرحمن/۵۲ و طه/۵۳ آمده است.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ كَرِيمٍ﴾ (شعراء/۷)؛ «مگر در زمین ننگریسته‌اند که چقدر در آن از هر گونه جفت‌های زیبا رویانیده‌ایم قطعاً در این [هنر نمایی] عبرتی است» و همین مضمون در سوره حج/۵؛ لقمان/۱۰؛ ق/۷؛ طه/۵۳ آمده است.

﴿سُبْحَانَ الَّذِیْ خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا یَعْلَمُونَ﴾ (یس/۳۶)؛ «پاک [خدایی] که از آنچه زمین می‌رویاند و [نیز] از خودشان و از آن‌چه نمی‌دانند، همه را نر و ماده گردانیده است».

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (ذاریات/ ۴۹)؛ «و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید».

و برخی نیز به این آیه برای اثبات زوجیت اتم (الکترون و پرتون) استناد کرده‌اند (نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۷).

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (اعراف/ ۱۸۹)؛ «اوست آن کسی که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد».

نکات تفسیری

۱. به نظر می‌رسد که آیات فوق را می‌توان بدین صورت دسته بندی کرد.
گاهی قرآن سخن از زوجیت میوه‌ها می‌گوید؛ در مرتبه بعدی از زوجیت گیاهان می‌گوید؛ در مرتبه بعدی از زوجیت چیزهایی می‌گوید که انسان‌ها نمی‌دانند؛ در مرتبه بعدی از زوجیت همه اشیاء جهان می‌گوید.

۲. هدف نهایی بیان زوجیت تذکر نشانه‌های الهی و به کار انداختن اندیشه انسان است
﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً﴾ (شعراء/ ۸)؛ ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (رعد/ ۳).

۳. کلمه زوج در لغت به معنای به معنای زیر می‌آید:
الف) در حیوانات به هر کدام از نر و ماده‌ای که قرینه یکدیگرند زوج می‌گویند.
ب) در غیرحیوانات به هر کدام از دو چیز قرینه هم‌دیگر (مثل یک لنگه کفش) زوج گویند.
ج) به هر چیزی که مقارن دیگری باشد و مشابه به آن باشد زوج گویند.
د) به هر چیزی که مقارن دیگری باشد و متضاد آن باشد زوج گویند (راغب اصفهانی، مفردات، ماده زوج).

تاریخچه

انسان تا قرن‌ها گمان می‌کرد که مسئله زوجیت و وجود جنس نر و ماده فقط در مورد بشر و حیوانات و برخی گیاهان مثل خرما صادق است.

اما کارل لینه (۱۷۰۷-۱۷۸۷ م) گیاه‌شناس معروف سوئدی نظریه خود را مبنی بر وجود نر و ماده در بین همه گیاهان در سال ۱۷۳۱ م ارائه کرد و مورد استقبال دانشمندان قرار گرفت (روسو، تاریخ علوم، ۱۳۴۴: ۳۵۴ و ۴۰۸؛ نجفی، مطالب‌شگفت‌انگیز قرآن، ۱۳۷۷: ۵۷؛

مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۷۷). اما پس از مدتی «لینه» توسط ارباب کلیسا توقیف شد و کتاب‌های او به عنوان کتاب‌های ضلال اعلام گردید (احمدی، ارمغان روشنفکران، بی تا: ۷۳؛ م. حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، بی تا: ۲/۲۲؛ نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ۱۳۷۷: ۵۷).

سپس دانشمندان کشف کردند که ماده از تراکم انرژی به صورت ذرات بی نهایت ریزی که اتم نامیده می شود تشکیل یافته است و پس از گذشت مدتی مسئله زوجیت به همه اشیاء سرایت داده شد چرا که دانشمندان کشف کردند که واحد ساختمانی موجودات یعنی اتم از الکترون‌ها (با بار منفی) و پروتون‌ها (با بار مثبت) تشکیل شده است.

ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم گفت «هر جسم مادی مرکب است از الکترون‌ها و پروتون‌ها» (پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ۱۳۵۱: ۹۵).

هر الکترون با سرعت سرسام آوری (۰/۰۰۰/۵۰ دور در ثانیه) به دور مرکز اتم یعنی پروتون‌ها می چرخد.

البته در اتم ذرات سومی نیز یافت می شود که بنام نوترون خوانده می شود و از لحاظ بار الکتریکی خنثی است (سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ۱۳۷۵: ۴۰-۴۲).

فیزیکدانان اخیر در دوران اتم ذرات بنیادی دیگری بنام «کوارک» (Quark) کشف کرده اند که ذرات تشکیل دهنده الکترون، نوترون و پروتون هستند و باعث به وجود آمدن بار الکتریکی مثبت، منفی و خنثی در آن‌ها می شوند.

تا کنون شش نوع کوارک شناسایی شده است که دو نوع (D- U) در تشکیل مواد پایدار معمولی نقش مهمی دارند. کوارک U دارای بار الکتریکی ۲/۳ و کوارک D دارای بار الکتریکی ۱/۳ است پروتون که دارای بار مثبت است از دو کوارک U و یک کوارک D تشکیل شده است. و از این طریق حاصل بار آن مثبت می شود.

$$+۱/۳ - ۲/۳ + ۲/۳$$

و بر عکس یک نوترون دارای دو کوارک D و یک کوارک U بوده و بار آن خنثی است:

$$۰/۳ + ۲/۳ - ۱/۳ - ۱/۳ - ۱/۳ = ۰ \quad (\text{اریک، فیزیک نوین، ۱۳۷۰: ۳۴}).$$

اسرار علمی

بسیاری از مفسران و صاحب نظران به آیات فوق در مورد زوجیت گیاهان بلکه همه اشیاء استدلال کرده اند که در این جا به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم:

۱. مرحوم طبرسی حدود نه قرن قبل در تفسیر مجمع البیان بر اساس نصوص قرآنی مسئله زوجیت گیاهان، حیوانات و حتی اشیاء دیگر را مطرح می کند و آن را می پذیرد (طبری، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۸/۴۲۴).

۲. صاحب تفسیر نمونه زیر آیه ۳۶ سوره یس می نویسد:

«آن چه مسلم است ازواج جمع زوج، معمولاً به دو جنس مذکر و مؤنث گفته می شود؛ خواه در عالم حیوانات باشد یا غیر آن ها، سپس توسعه داده و به هر دو موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگرند زوج اطلاق می شود... وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز، چنان که گفتیم در عصر نزول قرآن جز در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود و قرآن از آن پرده برداشته و در قرون اخیر از طرق علمی این مسئله به ثبوت رسید که مسئله زوجیت در عالم گیاهان یک مسئله عمومی و همگانی است» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۷۷/۱۸).

و در زیر آیه ۴۹ سوره ذاریات نیز پس از تذکر این که بسیاری از مفسران کلمه زوج را به معنای اصناف (مثل شب، و روز و...) دانسته اند می نویسند:

«واژه زوج را معمولاً به دو جنس نر و ماده می گویند خواه در عالم حیوانات باشد یا گیاهان و هر گاه آن را کمی توسعه دهیم تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می شود.

و با توجه به اینکه قرآن در آیه فوق می گوید «من کل شیء» (از همه موجودات) نه فقط موجودات زنده، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که تمام اشیاء جهان از ذرات مثبت و منفی ساخته شده و امروز از لحاظ علمی مسلم است که اتم ها از اجزاء مختلفی تشکیل یافته اند از جمله اجزایی که دارای بار الکتریسته منفی هستند و الکترون نامیده می شوند و اجزایی که دارای بار الکتریسته مثبت هستند و پروتون نام دارند بنابراین الزامی نیست که شیء را حتماً به معنای حیوان یا گیاه تفسیر کنیم و یا زوج را به معنای صنف بدانیم» (همان، ۳۷۶/۲۲).

۳. در مقدمه کتاب اعجاز قرآن علامه طباطبایی رحمته الله علیه آمده است:

هنگامی که جهان در تاریکی جهالت به سر می‌برد قرآن در بیش از ده آیه از زوجیت گیاهان بحث کرده، تصریح می‌نماید که خدا همه گیاهان را جفت آفرید (رعد/ ۳؛ شعراء/ ۷ و...) (طباطبایی، اعجاز قرآن، ۱۳۶۲: ۱۵).

۴. برخی از نویسندگان از آیه ۳۶ سوره یس «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» استفاده می‌کند که:

«کاملاً روشن است که این آیه بر جفت داشتن گیاهان دلالت دارد و نیز از ذیل آیه که جفت داشتن را در مورد چیزهایی که خبر ندارند بیان می‌کند، چه بسا بتوانیم نیروی مثبت و منفی برق و نیز محیط میکروب یا ویروس‌ها و نیز اجزای اتم را استفاده کنیم» (سرفرازی، رابطه علم و دین، ۱۳۶۴: ۳۵).

۵. برخی دیگر از نویسندگان نیز با ذکر آیات مورد بحث زوجیت گیاهان و حتی زوجیت درون اتم بین الکترون و پروتون را استفاده می‌کند (نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ۶۰-۵۷).

۶. احمد محمد سلیمان نیز در یک بحث که به صورت سؤال و جواب تنظیم شده است زوجیت ماده را از آیه ۴۹ سوره ذاریات به دست می‌آورد (احمد محمد سلیمان، القرآن و الطب، ۲۷).

۷. مهندس محمد علی سادات نیز با یک مقدمه طولانی که ساختمان اتم را توضیح می‌دهد. و سابقه تاریخی اشاره به اتم را تذکر می‌دهد سپس آیه ۴۹ سوره ذاریات را متذکر شده و می‌نویسد:

«و لذا می‌توان «اتم» را موجودی زوج نامیده و از طریق تعمیم زوجیت در دل اتم‌ها، نتیجه گرفت که اساساً عالم ماده بر اساس زوجیت بنا گردیده و هیچ موجود مادی از این قاعده کلی مستثنی نیست» (مهندس محمد علی سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ۱۳۷۵: ۳۹-۴۳).

۸. یکی از نویسندگان معاصر نیز پس از طرح زوجیت ماده (Puality Of Matter) به آیات سوره ذاریات/ ۴۹؛ الرحمن/ ۵۲؛ طه/ ۵۳ استناد کرده است (ر. ک: لطیف راشدی، نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، ۱۳۷۷: ۲۴).

۹. صاحب تفسیر نوین نیز با ذکر آیات مورد بحث آنها را اعجاز علمی قرآن می‌داند که اشاره به زوجیت کرده است و سپس توضیحات مفصلی در این مورد ارائه می‌دهد (محمد تقی شریعتی، تفسیر نوین، ۱۳۵۳: ۱۱).

۱۰. عبد الرزاق نوفل در مورد آیه ۱۸۹ سوره اعراف ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾؛ «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفریده و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد».

پس از آن که مقدمه‌ای در مورد «وحدت خلق» می‌آورد و این که ذرات بنیادی همه موجودات یکسان است می‌گوید: «این حقیقت علمی را که عصر جدید کشف کرده قرآن ۱۴۰۰ سال قبل با صراحت و وضوح بیان کرده که همه خلق الهی از نفس واحدی بوده است.» و سپس آیه فوق را می‌آورد و می‌گوید: «آیا این [نفس واحد] پروتون و الکترون... برق واحدی که مثبت و منفی دارد... یعنی نفس واحد نیست...».

و حتی در مورد کلمه «لیسکن الیها» می‌گوید: «سبب سکون نفس واحد همان زوج است و این مطلبی است که علم بیان کرده که سکون پروتون و الکترون به خاطر اختلاف و تساوی آن‌ها در برق است...» (ر.ک: عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم الحديث، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۷).

۱۱. طنطاوی در تفسیر الجواهر بحث گسترده‌ای در زمینه زوجیت گیاهان در زیر سوره ذاریات/ ۴۹ آورده است و اقسام دسته بندی گیاهان و حیوانات و... را بررسی کرده و شکل‌های آن‌ها را آورده است که ربطی به تفسیر آیه ندارد و فقط مطالب علمی است که به مناسبت آورده شده است (طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، ۱۳۵۵: ۱۲/ ۱۷۰-۲۰۱).

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. مطلبی را که عبد الرزاق نوفل در مورد آیه ۱۸۹ سوره اعراف نوشته است از چند جهت قابل اشکال است.

اول. کلمه «نفس» و «زوج» از نظر لغوی و اصطلاحی دلالت بر الکترون و پروتون نمی‌کند و ایشان نیز در این مورد قرینه‌ای نیاورده‌اند.

دوم. از نظر علمی صحیح نیست که کسی بگوید پروتون از الکترون پدید آمده است «جعل منها زوجها» بلکه همان گونه که گذشت هر کدام از الکترون و پروتون از تعدادی کوارک U و D تشکیل شده است.

سوم. سیاق آیه مورد نظر با تفسیری که ایشان کرده تناسب ندارد چون در آیه می‌خوانیم:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَتَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾؛

«اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم] با او [حوا] در آمیخت باردار شد باری سبک و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید و چون سنگین بار شد، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزند]ی شایسته عطا کنی قطعاً از سپاس‌گزاران خواهیم بود».

سیاق آیات در مورد باردار شدن زن از مرد (حوا از آدم) و به وجود آمدن فرزند است پس نفس واحد و زوج در اول آیه در همین مورد است و مراد مرد و زن هستند نه الکترون و پروتون.

۲. آیات دیگر (رعد/ ۳؛ شعراء/ ۷؛ یس/ ۳۶) ظاهر در زوجیت میوه‌ها، گیاهان است، این مطلب از قرن هجدهم کشف گردید و قبل از آن زوجیت به جز در مواردی مثل «نخل» مشخص نبود پس این آیات نوعی رازگویی علمی و اعجاز علمی قرآن بوده است.

۳. زوجیت عمومی همه اشیاء نیز از آیه ۴۹ سوره ذاریات به خوبی استفاده می‌شود ولی تطبیق آن بر الکترون و پروتون قطعی نیست زیرا همان گونه که گذشت امروزه ذرات بنیادین دیگری به نام کوارک‌ها شناخته شده که دارای بار مثبت و منفی هستند و لذا باز هم نمی‌توان به طور قطعی ادعا کرد که «زوجین» مذکور در آیه همان کوارک U و D باشد بلکه احتمالاً می‌تواند این مطالب (الکترون؛ پروتون؛ کوارک‌ها و...) از مصادیق «زوجین» محسوب شود. همان گونه که ممکن است اصناف موجودات (شب و روز و...) نیز از مصادیق آن محسوب شود.

۴. هر چند که مصداق دقیق «زوجین» در آیه ۴۹ سوره ذاریات مشخص نیست ولی بیان زوجیت عمومی در همه اشیاء یکی از اشارات علمی قرآن و رازگویی‌های آن است که در صدر اسلام کسی از آن اطلاعی نداشته است.

پس این مطلب نیز می‌تواند اعجاز علمی قرآن محسوب شود.

۵. ممکن است کسی ادعا کند که زوجیت عمومی موجودات با مسئله بکرزایی (تولید مثل برخی تک سلولی‌ها بدون نیاز به جنس مخالف) منافات دارد.

این مطلب را در بخش بعدی بررسی خواهیم کرد و بیان می‌کنیم که منافاتی بین آن‌ها نیست. تعارض زوجیت عمومی و بکرزایی:

برخی از صاحب‌نظران می‌نویسند:

«کسانی که این آیه شریفه قرآن (آیه زوجیت) را به این معنا گرفته‌اند که هر یک از انواع موجودات زیستی، نر و ماده دارند، یعنی هیچ موجود زیستی، اعم از حیوانات و نباتات وجود ندارند که نر و ماده نداشته باشد، حال ممکن است کسی بگوید علم زیست‌شناسی امروز این را نمی‌پذیرد، بلکه خلاف این را به ما می‌گوید، یعنی می‌گوید انواعی از موجودات زیستی وجود دارند که نر و ماده در میان آن‌ها وجود ندارند» (ملکیان، فصلنامه مصباح، ش ۱۰، ص ۶۶) (البته ایشان اضافه می‌کند که هر دو طرف این قضیه را بنابر فرض می‌گویند).

برای روشن شدن اشکال لازم است به دو مطلب اشاره کنیم:

نخست اینکه در آیات مربوط به زوجیت، برخی زوجیت میوه‌ها را بیان می‌کرد (رعد/۳) و برخی زوجیت گیاهان را تذکر می‌داد (شعراء/۷) و برخی زوجیت عمومی همه موجودات را اشاره می‌کرد:

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ﴾ (ذاریات/۴۹)؛ «و از هر چیزی دو گونه آفریدیم».

دوم آن‌که پدیده بکرزایی در میان تک یاخندگان (تک سلولی‌ها) رواج دارد که مناسب است در ابتدا مناسب است اطلاعاتی در مورد این موجودات و نحوه تکثیر آن‌ها پیدا کنیم:

تک یاخندگان (تک سلولی‌ها) Protozoa به معنی حیوان تک یاخته است که پست‌ترین طبقه از سلسله حیوانات هستند که بدن آن‌ها تنها از یک سلول (Unicellular) ساخته شده است. که دارای هسته مشخص و کامل هستند که به وسیله غشاء هسته‌ای محصور است تا کنون بیش از سی هزار گونه آن‌ها تشخیص داده شده است و اکثراً به طور آزاد در آب و خاک زندگی می‌کنند و برخی انگلی هستند.

اندازه هر کدام ۱-۱۵۰ میکرون است و تعدادی از آن‌ها با چشم غیر مسلح قابل رؤیت است گونه‌های تک یاخندگان مثل: آمیب‌ها، مژک داران، تازک داران و... تکثیر آن‌ها: به سه صورت است:

الف) تکثیر غیر جنسی (Asexual) که خود دارای صور مختلف است.
 ۱. تقسیم دوتای (Binary Fission) که تک یاخته مادر از جهت طولی به دو تک یاخته دختر تقسیم می‌شود و در مژک‌داران از عرض تقسیم می‌شوند.

۲. شیزوگونی (Schizogony) یا تکثیر چندتایی، هسته مادر مکرر به چندین هسته دختر تقسیم می‌شود و سپس سیتوپلاسم تقسیم شده و اطراف هر هسته را می‌گیرد.

۳. جوانه زدن (Budding) بعد از رشد کامل سلول مقاومت غشاء سلولی در نقطه‌ای کم می‌شود و جوانه‌ای تشکیل می‌شود و مقداری از هسته و سیتوپلاسم مادر وارد آن می‌شود و رشد می‌کند تا آن‌که از مادر جدا و زندگی مستقلی را شروع می‌کند.

تذکر: این سه قسم تکثیر را می‌توان نوعی بکرزایی دانست.

ب) تکثیر جنسی (Sexual) چند صورت است که در مژک‌داران دیده می‌شود.

۱. آمیختگی (Coniugdion) در این روش دو تک یاخته با یکدیگر جفت شد و آن‌گاه محتویات هسته آن‌ها (میکرونوکلیئوس‌ها) با یکدیگر تبادل حاصل کرده و سپس به صورت تک یاختگانی که هسته آن‌ها تجدید سازمان یافته است از هم جدا می‌شوند.

۲. سنگامی (Syngamy) دو سلول جنسی نر و ماده به نام گامت با یکدیگر ملحق شده و تشکیل تخم می‌دهند.

۳. اسپوروگونی (Sporogony) ابتداء در داخل او و سیست تک یاخته تعداد زیادی اسپوروزوئیت (Sporozoites) به وجود می‌آید (به طور غیر مستقیم تقسیم چندتایی) که بعداً طی مراحل سلول‌های جنسی تشکیل می‌شوند که به طریق سنگامی با یکدیگر جفت می‌شوند (داورمزدی، انگل شناسی پزشکی، ۱۳۷۲: ۳۷-۴۶).

بررسی تعارض زوجیت و بکرزایی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

الف) همان طور که گذشت کلمه «زوج» در لغت به هر یک از دو چیزی گفته می‌شود که قرینه هم‌دیگر باشند و یا مقارن، مشابه و یا متضاد باشند (ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات، ماده زوج؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۷۷ و ۲۲/۳۷۶).

پس نمی توان گفت که معنای لغت زوج منحصر در «نر و ماده» است از این رو در تک یاختگان که از طریق تقسیم سلولی دو تا می شوند دو زوج خلق شده است و لذا مشمول کلمه زوج هستند چون از هر کدام از آن ها دو چیز مقارن و مشابه پیدا می شود.

ب) در مسئله زوجیت عمومی همه اشیاء هم زمان بودن یا هم مکان بودن هر دو زوج ملاک نیست و لذا ممکن است دو زوج در دو مکان (مثل الکترون و پروتون که در هسته اتم و مدار اطراف آن هستند) و یا در دو زمان باشند.

ج) اشکال اساسی که باعث پیدایش پندار تعارض بین قانون زوجیت عمومی موجودات قرآن با مسئله بکرزائی شد این است که گمان کرده اند همیشه لغت زوج به معنای نر و ماده اصطلاحی است در حالی که معنای کلمه زوج اعم است و هر دو چیز مقارن مشابه یا متضاد را شامل می شود. پس تعارضی بین آیات قرآن در مورد قانون عمومی زوجیت و مسئله بکر زایی نیست.

و قوله تعالى في سورة الحجر ٢٢، ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ﴾ فان الكريمة الاولى: دلّت علی عدم اختصاص سنّه الزواج بالحيوانات، بل تعم النباتات و ما لا يعلمه الانسان من غيرها ايضا، بل قدّم ذكر الثّبات علی الانسان في هذه السنّه، و لعلّه اشعار بكون هذه السنّه في النباتات قهريّه بخلاف الانسان، الذي يكون الامر فيه علی طبق الاختيار و الاراده.

و الآيه الثانيه: تدلّ علی ان اللقاح الذي يتوقف عليه انتاج الشجر و النبات انما يتحقق بسبب الرّيح، و هذا هو الذي اكتشفه علماء معرفه النبات، و لم يكن يدرك هذا الامر غير المحسوس و افكار السابقين، و لذا التجئوا الى حمل اللقاح في الآيه علی معنى الحمل الذي هو أحد معانيه و فسّروا الآيه الشريفه بان الرّيح تحمل السحاب الممطره الى المواضع التي تعلقّت المشيّه بالمطار فيها» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسير، ١٣٧٦: ٧٩).

توضیح لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها)

هر موجود نر و ماده وقتی ثمر می دهند که زایا باشند و زایا شدن آن ها به آمیزش دو جنس است. ۳۹
اما آمیزش هر نوعی با نوع دیگر متفاوت است آمیزش گیاهان از راه گردافشانی و آمیزش ابرها به وسیله برخورد ابرهایی با بار مثبت و منفی و آمیزش حیوانات و انسان غالباً با انتقال اسپرم ها با شیوه خاص است.

قرآن کریم به مسئله آمیزش و زایا شدن ابرها و گیاهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَا كُمُوهُ وَ مَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ﴾ (حجر/ ۲۲)؛ «و بادها را باردار کننده فرستادیم و از آسمان، آبی نازل کردیم، پس شما را بدان سیراب نمودیم، و شما خزانه‌دار آن نیستید».

و در جای دیگر قرآن به نقش بادها در شکل‌گیری ابرها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كَسَفًا فَتَرَى الْوَدُوقَ يُخْرَجُ مِنْ خَلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ (روم/ ۴۸)؛ «خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری بر می‌انگیزد و آن را در آسمان - هر گونه بخواهد - می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند، پس می‌بینی باران از لا به لای آن بیرون می‌آید و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، رسانید، بناگاه آنان شادمانی می‌کنند».

و همین مضمون در سوره فاطر/ ۹ آمده است.

نکات تفسیری

۱. از سیاق آیات بر می‌آید که آیه اول و دوم در مقام شمارش آیات الهی و نعمت‌های او است و سپس در آیه اول به بحث قیامت اشاره‌ای می‌شود.
 ۲. شاید بهترین معادل فارسی کلمه لِقَاح واژه «زایا» است، این کلمه گاهی لازم است (مثل آن‌که می‌گویند: شتر زایا است) و گاهی متعدی است (شتر نر شتر ماده را لِقَاح کرد - زایاکرد) و در لغت به «شتر ماده» که شیر می‌دهد «اللقحة» گویند.
- و به بچه‌ای که در شکم است مَلَقِیح گویند. و به منی جنس مذکر نیز «لِقَاح» گفته شده است (راغب، مفردات، ۱۳۳۲: ماده لِقَاح).
- و لذا در یک جمع بندی می‌توان گفت که لغت لِقَاح و لِقَاح به معنای نتیجه دادن و زایا بودن یا زایا کردن است. و «لِوَاقِح» جمع «لِاقِح» است.

تاریخچه

در اینجا به دو تاریخچه اشاره می‌کنیم:

الف) بشر از دیر زمان حتی قبل از اسلام اطلاع داشت که اگر نرینه‌های گیاهان را برای گرده افشانی بر سر شاخه‌های درختان میوه به کار نبرند عملاً محصول گیاهان بسیار کم می‌شود مثلاً در عربستان معمول بود که خوشه‌های نرینه خرما را برای گردافشانی بر سر شاخه‌های گل‌دار درختان خرما بپاشند.

اما در اواخر قرن ۱۸ یا اوایل قرن نوزده و با پیدایش وسایل تحقیقاتی جدید از قبیل میکروسکپ و غیره... و پیدایش نوابع و دانشمندان، کشف شد که بدون عمل جفت‌گیری و انجام تلقیح در حیوانات و گیاهان تولید مثل امکان‌پذیر نیست (مگر در برخی گیاهان و حیوانات که تکثیرشان از طریق تقسیم سلول و راه‌های دیگر است).

و سپس معلوم شد که تولید مثل گیاهان عموماً بر اساس تلقیح ذرات خیلی ریز و ذره‌بینی بنام گرده یا پولن (Polin) است که عامل انتقال این گرده وسایل مختلف مثل حشرات و جریان‌های شدید هواست (محمد سلیمان، القرآن و الطب، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۶؛ سادات، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، ۱۳۷۵: ۳۱ به بعد).

ب) قرن‌ها بشر اطلاعی از کیفیت دقیق نزول باران از ابرها نداشت ولی در سال‌های اخیر پس از پیشرفت‌هایی که در علم فیزیک صورت گرفت و در نتیجه رشته‌های جدیدی از قبیل هواشناسی (متئورولوژی) تأسیس یافت به مسئله تلقیح ابرها پی بردند و حتی بحث از باران مصنوعی شد.

و در این جا متوجه شدند که بادهای نقش عجیبی در زایا شدن ابرها دارند یعنی از طرفی باعث تشکیل قطرات باران و دانه‌های برف می‌شوند و از طرف دیگر در باردار شدن ابرها به الکتریسته و تخلیه این بار نقش دارند (بازرگان، باد و باران در قرآن، ۱۳۵۳: ۵۹؛ سادات، زنده جاوید و اعجاز قرآن، ۱۳۷۵: ۳۵).

اسرار علمی

در مورد آیات مورد بحث به ویژه کلمه «لقاح» مطرح شده در آیه ۲۲ سوره حجر مفسران و صاحب‌نظران سخنان مبسوطی دارند و سه دیدگاه مختلف در مورد آیه فوق انتخاب شده و هر کدام به نوعی لقاح را اشاره به مسائل علمی معرفی کرده‌اند. که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) مقصود لقاح گیاهان است.

یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد:

۴۱

«ما بادهای را فرستادیم که گیاهان را آبستن می‌کنند، در آیه موضوع تلقیح گیاهان، به وسیله باد به روشنی بیان شده است. ضمناً مسئله نر و ماده داشتن گیاهان نیز استفاده می‌شود» (سرفرازی، رابطه علم و دین، ۱۳۶۴: ۳۶).

ملا فتح الله کاشانی (متوفی ۹۸۸ ق) نیز در تفسیر منهج الصادقین لقاح گیاهان را به عنوان یکی از دو احتمال در معنای آیه مطرح می‌کند. و می‌نویسد: «فرستادیم بادها را آبستنتان به ابر، یعنی بردارندگان ابرها یا آبستن کنندگان درخت‌ها را به میوه؛ چه لواقح لازم و متعددی هر دو آمده» (کاشانی، منهج الصادقین، ۱۳۴۶: ۱۵۸/۵).

برخی دیگر از نویسندگان نیز آیه فوق را در مورد گیاهان دانسته و می‌نویسند: چون گیاهان و گل‌ها برای رسیدن به یک‌دیگر هیچ‌گونه حرکتی ندارند بعضی از حشرات و خصوصاً باد عامل اصلی این وصال گردیده است (هاشمی‌نژاد، رهبران راستین، ۱۳۶۱: ۲۵۹ و ۲۶۳؛ حقیقی، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، بی‌تا: ۲۳/۲). ایشان حتی استفاده می‌کنند که قرآن قانون ازدواج را مخصوص انسان و حیوان قرار نداده است (خویی، مرزهای اعجاز، ۱۳۶۳: ۱۱۸).

احمد محمد سلیمان در کتاب القرآن و الطب آیه مورد بحث (حجر/ ۲۲) را اشاره به لقاح گیاهان دانسته است و سپس عوامل لقاح را به عوامل رئیسی (مثل حشرات) و عوامل غیر رئیسی (مثل آب و انسان و...) تقسیم می‌کند. سپس نقش بادها را در این زمینه مهم دانسته می‌گوید علم کشف کرده که مهم‌ترین گیاهان خشکی و آبی به وسیله باد تلقیح می‌شوند و از این روست که قرآن از میان عوامل لقاح عامل باد را ذکر کرد و سپس این مطلب را اعجاز قرآن می‌داند. چرا که بشریت در اواخر قرن ۱۸ یا اوایل قرن ۱۹ به مسئله تلقیح پی برد. در حالی که قرآن قرن‌ها قبل از آن تذکر داده بود (محمد سلیمان، القرآن و الطب، ۱۹۸۱: ۲۴-۲۶). برخی دیگر از صاحب‌نظران عرب بدون هیچ توضیحی آیه ۲۲ سوره حجر را حمل بر لقاح اشجار کرده‌اند (العک، الفرقان و القرآن، ۱۴۱۴: ۵۱۱).

ب) مقصود لقاح ابرهاست

مرحوم طبرسی رحمته الله علیه (۵۴۸ ق) از اولین کسانی است که لقاح را به معنای آبستنی ابرها دانسته است و می‌نویسد: «بادها را لقاح کننده فرستادیم. یعنی وسیله لقاح و آبستنی ابرها به باران می‌شوند. پس از آسمان آب نازل کردیم، یعنی باران فرستادیم» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۳۴/۳).

همین معنا را مهندس بازرگان می‌پذیرد و می‌نویسد:

«آیه دلالت بر لقاح ابرها و بارور شدن آنها است که در نتیجه آن لقاح، باران می‌بارد...».

و در جای دیگر می‌نویسند:

«اما باید دانست تأمین دو شرط فوق (وجود بخار آب در هوا و اشباع شدن و تقطیر آن در رسیدن هوای جو به حالت اشباع، کافی برای تشکیل ابر و ریزش باران نیست، یک عمل یا شرط سوم نیز ضرورت دارد: «بارور شدن» یا عمل لقاح (Stimulation Germination)... بخار آب ممکن است با وجود رسیدن به حالت اشباع تقطیر نشود و وقتی تقطیر شد، دانه‌ها آقدر ریز و معلق در هوا بمانند که سقوط نکنند و باران نیارد، مگر آن‌که با ذرات نامریی نمک که به وسیله باد از روی دریاها آورده شده است، نطفه‌های جذب و آماس‌کننده‌ای تشکیل شود. یا مهم‌تر از آن، رطوبت هوا به دور برگه‌های متبلور برف که در ارتفاعات بالاتر منعقد شده و به وسیله باد پوشیده می‌شود، جمع گردد و بالاخره قطرات ریز اولیه باران در اثر اختلاط و تلاطم و تصادم بادها به هم بپیوندند تا رفته رفته درشت شده در اثر وزن نسبتاً زیاد خود از خلال توده‌های ابر ساقط گردد...»

تخلیه برق مابین توده‌های مختلف ابر که در اثر اصطکاک با عواض زمین و اجسام معلق در باد دارای الکتریسته‌های مخالف می‌شوند و این تخلیه توأم با روشنایی و غرش شدید، یونیزه شدن هوا و تشکیل ازن است کمک فراوان به پیوستن و درست شدن و پختن قطرات می‌نماید... خلاصه آن‌که تشکیل و تقویت ابر و مخصوصاً نزول باران یا برف بدون عمل لقاح که با دخالت و تحریک باد صورت می‌گیرد، عملی نمی‌شود».^[۱۰]

سپس ایشان بقیه مفسران را تخطئه می‌کند که صراحت نداشته‌اند زیرا از کیفیت موضوع اطلاع نداشته‌اند (بازرگان، باد و باران در قرآن، ۱۳۵۳: ۵۹ و ۱۲۶).

احمد امین نیز می‌نویسد: «منظور (از آیه) همان تأثیری است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد بنابراین آیه شریفه یک معجزه جاودانی است زیرا حدود هزار و سیصد و نود سال پیش، موضوعی را بیان داشته که عصاره و نتیجه تحقیقات علمی جدید است» (امین، راه تکامل، بی تا: ۵۷).

استاد مکارم شیرازی نیز تفسیر لقاح ابرها را برای آیه می‌پذیرند. و تفسیر لقاح گیاهان را رد

می‌کنند ایشان می‌نویسند:

«لواقع» جمع «لاقح» به معنای بارور کننده است، در اینجا اشاره به بادهایی است که قطعات ابر را به هم پیوند می‌دهد و آن‌ها را آماده باران می‌سازد.

سپس به دلیل رد تفسیر لقاخ گیاهان می‌پردازند و می‌نویسند: «نمی‌توان آیه فوق را اشاره به (لقاخ گیاهان) دانست چرا که بعد از این کلمه بلا فاصله نازل شدن باران از آسمان (آن هم با فاء تفریع) آمده است که نشان می‌دهد تلقیح کردن بادهای مقدمه‌ای برای نزول باران است.»

البته ایشان تذکر می‌دهند که لقاخ گیاهان را برخی به عنوان اعجاز علمی آیه فوق مطرح کرده‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۶۱/۱۱؛ بازرگان، قرآن آخرین پیامبر، ۱۳۵۳: ۱۹۷).

احمد عمر ابو حجر نیز آیه ۲۲ سوره حجر را به معنای لقاخ ابرها گرفته‌اند و توضیحات مفصلی می‌دهند (ابو حجر، التفسیر العلمی للمیزان، ۱۴۱۱: ۴۶۱-۴۶۳).

ج) مقصود لقاخ ابرها و گیاهان است.

برخی از نویسندگان آیه ۲۲ سوره حجر را ناظر به تلقیح در عالم نباتات (گیاهان) و دنیای ابرها دانسته‌اند (نجفی، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، ۱۳۷۷: ۶۲).

یکی دیگر از نویسندگان با طرح دو آیه مورد بحث (حجر/ ۲۲؛ روم/ ۴۷) آن‌ها را اشاره به «بادهای نر» که ابرها را حرکت می‌دهند و در سر زمین‌های دیگر می‌برند و به باران تبدیل می‌شود، می‌داند.

و سپس در زیر آیات فوق نقش بادهای در گرده افشانی گل‌ها و کشاورزی را مطرح می‌کند و آن را یکی از پیشگویی‌های علمی قرآن می‌داند (زمانی، پیشگویی‌های علمی قرآن، ۱۳۵۰: ۹۱-۹۳).

مهندس محمد علی سادات با طرح آیه ۲۲ سوره حجر می‌نویسند:

«با در نظر گرفتن اطلاعات و معلوماتی که علوم جدید تا به امروز در اختیار بشر قرار داده، به وضوح پیداست که آیه مذکور با معرفی باد به عنوان وسیله تلقیح در حالت کلی، پرده از روی دو راز بزرگ عالم خلقت (تلقیح گیاهان - تلقیح ابرها) برداشته و قرن‌ها قبل از این که بشر به اتکاء علم و دانش خود پی به وجود آن‌ها برد، آن‌ها را برای بشر تعلیم فرموده. یکی از این دو اصل مسلم علمی همانا نقش اصلی و اساسی باد در تلقیح نباتات می‌باشد و اما اصل دیگر

موضوع تلقیح ابرها می باشد» (زنده جاوید و اعجاز جاویدان، مهندس محمد علی سادات، ۱۳۵۷: ۳۵ با تلخیص).

سپس ایشان با رد انحصار معنای آیه به تلقیح گیاهان به خاطر حرف «فاء» ﴿فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ می نویسد:

«با اندک تعمقی در متن آیه و مقایسه آن با سایر آیات مشابه به وضوح پیداست که قسمت اول آیه حالت کلی داشته و حالت حصر و انحصاری در بین نیست. به عنوان مثال شواهدی از خود قرآن نقل می شود:

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (انعام / ۹۹)؛ «و او کسی است که آب را از آسمان فرو فرستاد و سپس بیرون آوردیم به سبب آب هر گیاه و روئیدنی را...». و نیز آیه ۵۷ سوره اعراف می فرماید ﴿فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ﴾؛ «و به وسیله آن آب را فرو فرستادیم سپس به وسیله آن آب، بیرون آوردیم از زمین تمام ثمرات را». در هر کدام از آیات مذکور تنها به یک فونکسیون آب و صرفاً به یکی از نتایج و اثرات نزول آن که روئیدن نباتات باشد، اشاره گردیده است در صورتی که می دانیم نتایج حاصله از نزول آب تنها به این یک مورد خلاصه نمی گردد (در حالی که هر دو مورد حرف «ف» به اول «اخرجنا» اضافه شده است).

پس اگر در آیه شریفه مورد بحث نزول آب از آسمان را تنها یکی از نتایج عمل تلقیح به وسیله باد بدانیم، نه تنها تناسب با مورد خواهد داشت بلکه در غیر این صورت انحصار بی جایی از پیش خود بر آیه تحمیل کرده ایم» (همان، ۳۹).

بررسی

در اینجا تذکر چند نکته لازم است:

۱. کلمه «لواقح» در آیه ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ﴾ (حجر / ۲۲).

می تواند به چهار معنا تصور شود.

۴۵ الف) و بادها را زایا و آبستن (حامل ابر) فرستادیم؛ ب) و بادها را زایا و آبستن (گرده گیاهان) فرستادیم؛ ج) و بادها را زایا کننده و آبستن کننده (ابرها) فرستادیم؛ د) و بادها را زایا کننده و آبستن کننده (گیاهان) فرستادیم.

از آنجا که لواقح در آیه به صورت مطلق آمده و مشخص نشده که لازم یا متعدی است و در

صورت متعددی بودن، متعلق آن ابرها یا گیاهان است پس نمی‌توانیم هیچ‌کدام از چهار احتمال را از آیه نفی کنیم.

بلی در ادامه می‌فرماید ﴿فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ (حجر/ ۲۲).

و تفریع و نتیجه‌گیری نزول باران از آسمان به دنبال فرستادن ابرها می‌توان قرینه باشد که مراد آیه احتمال «الف یا ج» است. (حامل ابر بودن یا زایا کردن ابرها).

ولی از طرف دیگر می‌توان گفت که صدر آیه یک مطلب کلی را می‌گوید (لقاح بادها) اعم از لقاح ابرها یا گیاهان و در دنباله آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکر می‌دهد. و یا مصداق اکبر آیه را تذکر می‌دهد و یا مصداقی از آیه را متذکر می‌شود که بشر از آن اطلاع نداشته و اعجاز قرآن را اثبات می‌کند.

همان‌طور که گذشت این مطلب در برخی از آیات دیگر قرآن مشابه دارد. مثل: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (انعام/ ۹۹).^[۱۱]

پس انحصار آیه در لقاح ابرها (دیدگاه دوم) یا لقاح گیاهان (دیدگاه اول) دلیل قاطعی ندارد. و معنای آیه اعم است.

۲. «لقاح» در آیه مورد بحث می‌تواند چیزی فراتر از لقاح ابرها و گیاهان باشد و لقاح ابرها و گیاهان دو مصداق برای لقاح باد است. و ممکن است در آینده با پیشرفت علمی بشر تأثیرات ابرها در موارد دیگری نیز اثبات شود.

۳. اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها در آیه ۲۲ سوره حجر می‌تواند نوعی اعجاز علمی قرآن به شمار آید چرا که این مطلب تا سال‌های اخیر برای بشر روشن نشده بود اما اشاره قرآن به لقاح گیاهان هر چند که مطلب شگفت‌آوری است اما اعجاز علمی قرآن به شمار نمی‌آید چرا که انسان‌ها حتی قبل از اسلام به صورت اجمالی از تأثیر گرده افشانی برخی گیاهان اطلاع داشتند.

روش‌شناسی آیت الله فاضل لنکرانی در مورد اعجاز علمی قرآن

آیت الله فاضل لنکرانی در مورد اعجاز علمی قرآن روشمند عمل کرده به طوری که از تفسیر به رأی و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن پرهیز نموده است. چرا که از آغاز ضوابط اعجاز علمی را مشخص کرده‌اند.

و در این مورد می‌نویسد:

«من جمله وجوه الاعجاز الهادیه الی ان القرآن قد نزل من عند اللّٰه تبارک و تعالی : اشتماله علی التعرض لبعض اسرار الخلقه، و رموز عالم الکون، مما لا یکاد یهتدی الیه عقل البشر فی ذلک العصر، سیّما من کان فی جزیره العرب، البعیده عن التمدّن العصری بمراحل کثیره، و هذه الانباء فی القرآن کثیره، و لعلّ مجموعها یتجاوز عن کتاب واحد، و کما انّ جمله مما اخبر به القرآن لم تتضح الاّ بعد توفّر العلوم، و الاکتشافات، و تکثر الفنون و الاختراعات، کذلک یمکن ان یمکن وضوح البعض الآخر متوقفا علی ارتقاء العلم، و تکامل البشر فی هذا المجال الحاصل بالتدریج، و مرور الازمنه» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۶: ۷۹).

ایشان در مطلب فوق به چند مبنا و معیار اساسی اعجاز علمی قرآن اشاره کرده است:

الف) مبانی اعجاز علمی قرآن

۱. اشتمال قرآن بر اسرار خلقت

توضیح: در قرآن کریم بیش از ۱۵۰ آیه پزشکی، ۳۰۰ آیه کیهان‌شناسی و... وجود دارد که در مجموع بیش از ۲۰۰۰ آیه قرآن اشارات علمی در بردارد.

۲. عقل و علم بشر در عصر نزول قرآن به برخی پیشرفت‌های علمی عصر حاضر نرسیده بود به ویژه در جزیره العرب که دوران جاهلیت را می‌گذراند و از تمدن‌های بزرگ مثل ایران و روم دور بوده و فاصله علمی زیادی داشت.

توضیح: در جزیره العرب هنگام نزول قرآن (قرن هفتم میلادی) طبق گزارش بلاذری مورخ مشهور، ۲۱ نفر با سواد (در حد خواندن و نوشتن) بودند که چهار نفر زن و ۱۷ نفر مرد بودند (بلاذری، فتوح البلدان، ۱۹۸۸: ۳/ ۵۸۰).

۳. برخی اخبار غیبی قرآن هنوز کشف نشده است.

توضیح: خبرهای غیبی قرآن که هنوز کشف نشده با عنوان نظریه پردازی علمی قرآنی خوانده می‌شود که بعد از کشف توسط دانشمندان عنوان اعجاز علمی می‌یابد، از این مطلب روشن می‌شود که اعجاز علمی قرآن تمام نشده و در هر عصری مصادیق جدید از آن کشف می‌شود.

ب) ضوابط اعجاز علمی قرآن

۱. خبر غیبی علمی در قرآن باشد.
۲. عقل و علم بشر در عصر نزول قرآن، به آن مطلب علمی دست نیافته باشد.
۳. بعد از مدت‌ها با پیشرفت علمی بشر، آن خبر علمی قرآن کشف و ثابت شود.

نتیجه

آیت الله فاضل لنکرانی در کتاب مدخل التفسیر یکی از پیشگامان طرح مبحث اعجاز علمی قرآن در مصادیق و گونه‌های متعدد آن در حوزه علوم طبیعی و علوم انسانی (اعجاز تاریخی، اعجاز تشریحی، اعجاز نجومی، اعجاز زیست‌شناختی) بوده است. و با دقت و بدون تحمیل نظر تلاش کرده‌اند که با استفاده از یافته‌های اطمینان‌آور علمی اعجاز قرآن را در این زمینه به جهانیان معرفی کنند.

پی‌نوشت‌ها

[۱] در مورد تفسیر معانی لغوی و اصطلاحی متعددی بیان شده است. در اینجا سخن لغویین و برخی ارباب تفسیر و صاحب‌نظران بیان شد. ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات؛ طباطبایی، المیزان، ۱/ ۱۲۴؛ سیوطی، الاتقان، ۲/ ۱۹۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱/ ۳۵؛ نگارنده منطق تفسیر قرآن، ۲۳.

[۲] نگارنده، علوم قرآن (۲)، مبحث سیر تطور اعجاز.

[۳] همان.

[۴] ر.ک: اسباب النزول واحدی، ۳۵۴؛ نمونه بینات، ۶۱۰؛ شان نزول آیات، ۴۳۶؛ تفسیر مجمع البیان؛ تفسیر نورالثقلین؛ تفسیر ابو الفتوح رازی؛ تفسیر فخر رازی و برخی تفاسیر دیگر نیز این شأن نزول را آورده‌اند. هرچند که برخی جزئیات حادثه (مثل ترجیح رومیان مسیحی بر ایرانیان زردشتی جای بحث دارد با آن که هر دو گروه مشرک بودند) و تطبیق حادثه بر سال‌ها دقت بیش‌تری می‌طلبد.

[۵] تولد پیامبر در سال ۵۷۱ میلادی و بعثت او در سال ۶۱۰ میلادی بوده است.

[۶] واژه «ادنی» به معنای «نزدیک‌تر» و نیز به معنای «پست و پایین‌تر» به کار رفته است.

[۷] گلستان قرآن، ش ۱۷۶، ص ۵۱، به گزارش ایکننا به نقل از خبرگزاری «المحیط». البته این مطلب می‌تواند یکی از شگفتی‌های علمی قرآن باشد اما با توجه به این که واژه‌ی «ادنی» به دو معنا به کار رفته است و مطلب علمی ادعا شده نیز برای ما به طور قطعی ثابت نشده، نمی‌توان به طور قطعی گفت که این مطلب اعجاز علمی قرآن است.

۴۹

[۸] برخی نیز زمان ۱۰-۳ و ۹-۱ و ۹-۶ را گفته‌اند (تفسیر نمونه، ۱۶/ ۳۶۲).

[۹] البته برخی نیز احتمال داده‌اند خوشحالی مسلمانان به خاطر پیروزی توحید بر شرک

بوده است ولی این بعید است چون ایرانیان و رومیان هر دو مشرک بودند.

[۱۰] ایجاد باران مصنوعی مانند تلقیح مصنوعی حیوانات است به این ترتیب که در هوای صاف یا با قطعات متفرق ابر که گرم و مرطوب و آماده برای ابر شدن بوده ولی در حال تأخیر تعادل باشد گرد یخ متبلور (انیدرید کربنیک) یا بعضی املاح سرد و جاذب الرطوبه یا غبار آب بوسیله هواپیما می‌پاشند.

[۱۱] انعام/ ۲۹ و مشابه آن اعراف/ ۵۷ (پس از فاء در «فاخرجنا» یکی از ثمرات باران بیان شده یعنی روئیدن گیاهان، ولی ثمرات باران منحصر در این مورد نیست).

منابع

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۳. ابوججر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقران فی المیزان، بیروت: دارقنیه، ۱۴۱۱ق.
۴. اریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، تهران: انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ش.
۵. اعجاز قرآن، طباطبایی، علامه محمد حسین، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۲ش.
۶. امین، احمد، راه تکامل، ترجمه بهشتی، لاری و امامی، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامیة، بی تا.
۷. بازرگان، مهدی، باد و باران در قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ق.
۸. بلاذری، أحمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دار ومکتبة الهلال، بیروت: ۱۹۸۸م.
۹. پلانک، ماکس، تصویر جهان در فیزیک جدید، ترجمه مرتضی صابر، تهران: گسترده، ۱۳۵۹ش.
۱۰. حقیقی، ک، م، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، شیراز: انتشارات لوکس (نوید)، بی تا.
۱۱. الحویزی، عبدالعلی العروسی، نورالثقلین، قم: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ق.
۱۲. خوبی، سید ابوالقاسم، مرزهای اعجاز، مترجم جعفر سبحانی، تهران: انتشارات محمدی، ۱۳۶۳ش.

۱۳. داور مزدی، دکتر هرمز، انگل‌شناسی پزشکی، تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲ش.
۱۴. راشدی، لطیف، نگرشی به علوم طبیعی در قرآن، تهران: انتشارات سبحان، ۱۳۷۷ش.
۱۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، تهران: مفردات الفاظ القرآن، المكتبه الرضویه، ۱۳۳۲ش.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (دو جلد)، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ش.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، علوم قرآن (۲) اعجاز در علوم طبیعی و انسانی، قم: انتشارات بین المللی المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۱۸. روسو، پی‌یر، تاریخ علوم، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۴۴ش.
۱۹. زمانی، مصطفی، پیشگویی‌های علمی قرآن، قم: پیام اسلام، ۱۳۵۰ش.
۲۰. زنده جاوید و اعجاز جاویدان، سادات، تبریز: مهندس محمد علی، انتشارات فلق، ۱۳۵۷ش.
۲۱. سادات، محمد علی، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، تبریز: انتشارات فلق، ۱۳۷۵ش.
۲۲. سرفرازی، عباسعلی، رابطه علم و دین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ش.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۲۴. شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۳ش.
۲۵. شهرستانی، سید هبة الدین، اسلام و هیئت، نجف اشرف: مطبعة الغری فی النجف، ۱۳۵۶ق.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، اعجاز قرآن، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۲ش.

۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۹. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طنطاوی بن جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، به کوشش احمد سعدعلی، قاهره: مؤسسة مصطفی بابی حلبی، ۱۳۵۵ق.
۳۱. العک، شیخ خالد عبدالرحمن، الفرقان و القرآن، سوریه: الحکمة للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ق.
۳۲. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.
۳۳. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۴. القرآن و الطب، سلیمان، احمد محمد، بیروت: دار العودة، الطبعة الخامسة، ۱۹۸۱م.
۳۵. قمیحا، الشیخ نزیه، القرآن يتجلی فی عصر العلم، بیروت: دارالهادی، ۱۹۹۷م.
۳۶. کاشانی، ملافتح الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین، تعلیق میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۴۴ش.
۳۷. محقق، ماکس، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه، تهران: اسلامی، ۱۳۵۹ش.
۳۸. محمد سلیمان، احمد، القرآن و الطب، بیروت: دار العودة، الطبعة الخامسة، ۱۹۸۱م.
۳۹. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم: انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ش.
۴۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۴۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مؤسسة الطباعة و النشر وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۷ق.

۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. نجفی، گودرز، مطالب شگفت انگیز قرآن، تهران: نشر سبحان، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۴۵. نژد، محمد، جهان دانش - فرهنگ دانستی‌ها، تهران: انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش.
۴۶. نوری، حسین، دانش عصر فضا، قم: نشر مرتضی، ۱۳۷۰ ش.
۴۷. نوفل عبدالرزاق، القرآن والعلم الحديث، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۹۳ ق.
۴۸. هاشمی نژاد، عبدالکریم، رهبران راستین، کتابخانه مدرسه علمیه خواهران بقیع، تهران: انتشارات صبا، ۱۳۶۱ ش.
۴۹. واحدی النیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، اسباب النزول، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۵ ق.
۵۰. یزدی، مصباح، معارف قرآن، قم: ۱۳۸۱ ش.